

قرآن
از دیدگاه
جهان
پیدائش

مؤلف: صلاح الدین سادات

Ketabton.com

شناسنامه:

نام کتاب: پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن

نام مؤلف: صلاح الدین سادات

برگ آرایبی و طرح جلد: غفران الله آرین

ناشر: ()

سال نشر: ۱۴۰۴ هـ ش





مقدمه

باعث تحریر من در باره کائنات این است که اکثر علماء اسلام به این عقده اند که گویا تمام عالم را خداوند ﷻ در شش روز یا شش دوره خلق کرده است. این نظریه هم مخالف قرآن است و هم مخالف علم، چراکه تحقیقات علمی ثابت کرده اند که از پیدائیش عالم تقریباً چهارده میلیارد سال سپری شده است. اما از پیدائیش زمین فقط چهار و نیم میلیارد سال می‌شود. خداوند ﷻ هم در سوره نازعات، آیت (۳۰) صراحتاً بیان می‌کند که شکل‌گیری زمین بعداً صورت گرفته، سیر تکاملی زمین هم چهار روز را دربر گرفته است و بعد در دو روز دیگر هفت طبقه محافظتی دور زمین را آفرید که نام آنها آسمان نهاد، چراکه بدون سقف محافظتی آن، زندگی کردن در زمین غیرممکن بود. تمام دلایل که من در این مورد ذکر می‌کنم همه از قرآن کریم آورده شده است و تمام آیات که در این مورد خداوند ﷻ بیان نموده است آیت به آیت، سوره به سوره مفصلاً ذکر نمودم، شما هم می‌توانید این آیات را در قرآن کریم به دقت مطالعه نمائید.

با عرض حرمت

صلاح الدین سادات

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نحمده و نصلی علی رسولہ الکریم اما بعد:

موضوع بحث ما در باره پیدائش جهان از نظر دینی و علمی میباشد. خداوند متعال جهان را توسط نیروهای ساخته که آن نیروها از کلمه‌ی کن پدید آمده، از نیستی به عالم هستی چنانچه در سوره یاسین، آیت (۸۲) چنین می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» به تحقیق امر ما وقتیکه امر کنیم چیزی را «شَو» اَنَا می‌شود.. این رامیگویند امر؟ امر نیاز به زمان ندارد، امر مربوط میشود به اراده‌ی آنی حاکمیت و تدبیر خداوند متعال بر کل هستی، پس این نیروها بدون زمان گیری به وجود آمده اند، به مجردیکه این نیروها پدید آمدند شروع کردند به آفرینش تدریجی جهان از اتم‌ها گرفته تا ستاره‌ها و کهکشانها؟ این را میگویند خلق، خلق بمعنای آفرینش، این بخش مربوط به دنیای ما دی است که در آن پدیده‌ها، به زمان و مکان، شکل گیری، و اندازه گیری سرو کار دارند، هر دوی این‌ها هم امر وهم خلق زیر فرمان پروردگار عمل می‌کنند، چنانچه خداوند متعال در سوره اعراف در بخشی آیه {۵۴} چنین می‌فرماید { أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ } ترجمه؟ آگاه باشید که

۲ / صلاح الدین سادات

آفرینش و فرمان روائی تدبیر امور جهان تنها از آن اوست ، در واقع این آیه تاکید میکند که چون خداوند متعال خالق تمام موجودات است حقی مدیریت و حکم رانی مطلق بر آنها نیز فقط متعلق به اوست ، بناء ابتدا امر و سپس خلق پدید آمدند، این نیروها غیر مرئی اند ، که تمام ستاره ها و کهکشان های جهان توسط آنها هم ساخته شده وهم در فضا نگه داری میشوند ، با وجود این همه عظمت به چشم دیده نمیشوند، چنانچه خداوند متعال در سوره رعد آیه دو ، همچنین در سوره لقمان آیت ده چنین میفرماید، اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا: ترجمه الله ذاتست که بر افراشت آسمان هارا بدون ستون که ببینید آنرا، یعنی تمام بلند ی ها که عبا رت از میلیارد ها کهکشان تیر لیون ها تیرلیون ستاره و سیاره توسط یگ نیروی ساخته شد یا برافراشته شد که ان نیرو را به چشم دیده نمیشود، ستون در لغت عربی چیزی را میگویند که بار سنگینی را تحمل کند، حالا همین نیروها هستند که تمام کهکشانها و ستاره هارا هم ساخته وهم در فضا نگاه داشته است، اگر خداوند متعال این نیروی غیر مرئی را از بدنه اجرام عالم بر کند دیگر هیچ چیزی وجود ندارد همه نابودمی شود، چنانچه در آخر عمر جهان چنین

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۳

کار صورت میگیرد، بناءً تمام اجرام چشم دید مثل میلیاردها کهکشان و تریلیونها تیر لیون ستاره و سیاره فقط پنج فیصد اجرام جهان را تشکیل میدهد و نودوپنج فیصد اجرام دیگر غیر مرئی اند، این ساخت و ساز توسط آن نیروی غیر مرئی ازان زمان تا الحال که تقریبا چهارده میلیارد سال میشود با انبساط سر سام آوری جهان وسعت پیدا میکند و درین مدت صدها میلیارد کهکشان و تریلیونها ترلیون ستاره و سیاره ساخته شده، و این وسعت تا هنوزهم ادامه دارد ، چنانچه خداوند متعال درسوره زاریات آیه چهل و هفت چنین میفر ما ید .. وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ ترجمه ما آسمان را با قدرت بنا کردیم پیوسته آنرا وسعت می بخشیم؟ یعنی این وسعت ازابتداء پیداءش جهان شروع شده و تا چه زما نیکه پروردگار بخواهددوام میکند، حالا برمیگردیم به کهکشان خودمان که کهکشان راه شیری نام دارد، این کهکشان نظر به گزارش های دانشمندان کیهان شناسی شکل گیری ابتدائی آن پنجصد میلیون سال بعداز انفجار بزرگ بوده، اما سیر تکاملی آن دو یا سه میلیارد سال طول کشیده به حالت امروزی درآمده، حالا این کهکشان نظربه تخمین های که دانشمندان کیهان شناسی میکنند ازصد تا چهارصد میلیارد

۴ / صلاح الدین سادات

ستاره دارد، یکی از همین میلیارد ستاره ها خورشید میا شد که چندین سیاره دارد که سو مین سیاره آن همین زمین است که با لای ان زندگی میکنیم، بحث اصلی ما درباره پیدایش حیات در زمین است، خداوند متعال در سوره فصلت بطور واضح و آشکارا بیان می کند که زمین و هفت طبقه آسمان بالای زمین در شش روز هر روز یگ مرحله در شش مرحله تمام شده است؛ یعنی زمین در همین شش روز به پایه اكمال رسیده، حیات به وجود آمده است. این را در بحث پیدائیش زمین و آسمان مفصلاً بیان خواهم نمود.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵

پیدائش زمین و آسمان در شش روز

روزهای که در قرآن کریم ذکر می‌شود درباره پیدائش کائنات روز بیست و چهار ساعته نیست، بلکه به دوره یابہ دوران یا به مرحله تعبیر میشود، هرمرحله ممکن میلیونها سال باشد هم از نظر دانشمندان اسلامی وهم از نظر کیهان‌شنا سان، بناء پیداءش زمین و آسمان درشش روز هرروز یگ مرحله درشش مرحله به اتمام رسیده است ، روزهای قرانکریم هم متفاوت است مثلاً احکام که از عرش به سدرت المنتهی فرستاده می‌شود، ملائیکه‌ها ی مسوول از روی آن تمامی احکام آنرا در زمین طبق مقررات آن عمل می‌کنند. آن روز را یک هزارسال زندگی در روی زمین ذکر نموده است، چنانچه در سوره سجده، آیت (۵) چنین می‌فرماید: «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ». ترجمه: به تدبیر فرو می‌فرستد امر را از آسمان بسوی زمین باز بالا می‌رود آن امر به جانب او در روزیکه هست اندازه آن هزار سال از آنچه که می‌شمارید. هم‌چنان روز قیامت یک روز است اما معادل پنجاه هزار سال زندگی در روی زمین است، چنانچه در سوره المعارج، آیت (۴) چنین

۱۶ صلاح الدین سادات

می‌فرماید: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ». ترجمه: بالا می‌روند فرشتگان و روح بسوی او در روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال ، بناء تمام دانشمندان کیهان شناسی و علماء دینی روزرا به دوره تعبیر میکنند ،

وقتیکه بلندی ها عبارت از ستاره ها و سیاره های کهکشان راه شیری به امر پروردگار پدید آمدند، خداوند متعال تمامی آن‌ها را در جای که مناسب همان جا است قرارداد، چنانچه در سوره نازعات، آیت (۲۸) چنین می‌فرماید: «رَفَعَ سَمَكَهَا فُسُوَاهَا». ترجمه: بر افراشت بلندی آنرا پس برابر کرد آنرا، یعنی تمامی بلندی ها را که عبارت از ملیون ها ستاره و سیاره می‌باشد در جای که مناسب همان جا بود، قرار داد. هرآن چیزیکه در با لا دیده میشود از ستاره ها و سیاره ها متعلق به کهکشان راه شیری می‌باشد ستاره های دیگر کهکشانها را دیده نمیشود چراکه آنها بسیار دور می‌باشند هم‌چنان در سوره یاسین، می‌فرماید: «ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ». ترجمه: این اندازه گیری غالب و دانا است هرچیزی را در جای مناسب به دقت سنجیده و به حکمت تمام جابجا نموده است و او

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷

بر همه چیز توانا است، یکی از این ستاره‌ها خورشید است که چندین سیاره دارد و سومین سیاره آن همین زمین است. زمین هم توسط همان نیروهای چهار گانه که از کلمه؛ کن؛ پدید آمده بود ساخته شده، از گاز و غبار بقایای ستاره‌ها یک عمر شان به آخر رسیده منفجر شده بودند از خاکستر آنها بوجود آمده، زمین در ابتدای پیدائش‌اش یک توتۀ آتش بود، نه زنده جان در آن بود و نه هم در آن زندگی می‌شد، به مجردیکه پدید می‌آید شروع به چرخش می‌کند که از این چرخش روز و شب به وجود می‌آید. این شروع پیدائش زمین است. روز آنرا روشن و شب آنرا تاریک کرد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره نازعات، آیت (۲۹) چنین می‌فرماید: «وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا». ترجمه: تاریک کرد شب آنرا و آشکارا کرد روشنی روز آنرا، اینجا روز و شب را عموم ذکر کرد ضمیر روز شب را به آسمان نسبت داد نگفت روز و شب زمین ازین معلوم میشود که تمام سیارات منظومه شمسی حتی ماه ها روز و شب دارند البته به تفاوت، بعضی‌های شان شب و روز درازتر و بعضی‌های شان شب و روز کوتاه تر روز و شب تمام سیارات از گردش به دور خورشید پدید می‌آید، همچنین اگر آسمان تاریک و روشن نمیشد زمین مرده سنگی باقی

۸ / صلاح الدین سادات

میماندا این عمومیت در زکر روز و شب نشان دهنده حا کمیت قوانین فزیک آسمان بر تکا مل سیاره زمین است، مدت مدید زمین به همین حالت بود. خواست خداوند ﷻ این بود که در همین سیاره مخلوقِ هوشمند که مأمور به عبادت باشد، زندگی کند و عبارت از انسان است، حالا چه تدابیر گرفته می‌شد که زندگی کردن در آن ممکن شود. بناءً پروردگار عالم، اولتر از همه زمین را گسترش داد، به این معنا که دور زمین را که آنوقت آتش بود، هفت طبقه پوش داد تا که از مضرات هسته زمین جلوگیری کند و هم برای معیشت انسان‌ها ضروری می‌باشد، چنانچه در سوره نازعات، آیت (۳۰) چنین می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا». ترجمه: زمین را بعد از آن گستردهیم .. خداوند متعال می‌فرماید که زمین بعدا شکل گرفت از نگاه علمی هم همین طور است، چرا که عمر کهکشان ما سیزده میلیارد سال است اما عمر زمین چهارونیم میلیارد سال می‌باشد، مدت بعد از پدید آمدن روز و شب زمین را گسترش دادیم گسترش بمعنای وسعت دادن و کلان نمودن، سیر تکاملی زمین وقفه‌ای است یعنی در دو روز اول چه پدید آمد البته مراد از روز مرحله یا دوران است و در دو

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹

روز دوم چه ساخته شد و دردو روز سوم چه به وجود آمد، آنرا به بحث میگیریم.

گسترش زمین در دو روز اول

چنانچه قبلاً در سوره نازعات خواندید که گسترش زمین بعداً شکل گرفت، اولتر از همه روز و شب آفریده شده بعد از آن گسترش زمین. این شروع گسترش زمین است، گسترش (وسعت دادن) را می‌گویند. وسعت یعنی کلان کردن، خداوند متعال داخل زمین را هفت طبقه ساخته ، مثل پوست پیاز. این هفت طبقه سیر تکاملی خود را در دو روز یا در دو مرحله تکمیل نموده است، هرمرحله میلیون‌هاسال زندگی درروی زمین است ، چنانچه خداوندﷻ در سوره فصلت، آیت (۹) چنین می‌فرماید: «قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ». ترجمه: بگو آیا کافر می‌شوید به آن ذاتیکه آفرید زمین را در دور روز، در این دو روز همین هفت طبقه داخل زمین ساخته شد، این گسترش را دانشمندان علوم نجومی بنام بمباردمان فضایی یاد می‌کنند و می‌گویند که همه چیزیکه در زمین است مثل باران امروزی ازفضا به زمین

۱۰ / صلاح الدین سادات

باریده است. این گزارشات علمی را قرآن کریم هم تأیید می‌کند، چنانچه در سوره الحديد، آیت (۲۵) می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ». ترجمه: فرود آوردیم ما فلزات را و در آن جنگی سختی است بین انسان‌ها و منافع زیاد است برای انسان‌ها. فلزات عموم است منظور تنها آهن نیست بلکه آهن باب هر آن چیزیکه ذوب و منجمد شود، شامل آهن است از قبیل طلا، نقره مس، سرب، و پلاتین همه و همه شامل است. چرا که منظور تنها ذکر آهن نیست بلکه منظور آوردن آنها ست در زمین، بناء تنها آهن آورده نشده بلکه تمام فلزات که در زمین وجود دارد از دیگر جای به زمین آورده شده است. اما در بعضی فلزات منافع زیاد است برای انسان‌ها مثل آهن یا فولاد، از روزیکه انسان‌ها به آن دسترسی پیدا کرده اند، تمام ضروریات خود را از آله و اسباب جنگی مثل شمشیر و نیزه و دیگر اسباب خانگی و هم‌چنان برای امروز به تمام ماشین آلات بکار می‌برند. خداوند ﷻ فرمود که تمام این‌ها را از دیگر جا به زمین فرود آوردیم چراکه به صیغۀ «أَنْزَلْنَا» ذکر نمود، تمام این فلزات مخلوط زمین می‌باشد. پس معلوم شد که این هفت طبقه داخل زمین از فضا به زمین آورده شده است، زمان آوردن آن هم دو روز را

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۱

در برگرفته است یعنی در دو مرحله، ویا هم تنها آهن را بگیریم چرا خداوند متعال تنها آهن را ذکر نمود دیگر فلزات را ذکر نکرد چون آهن اکثریت اجزای زمین را تشکیل میدهد جز تابعی کل است .. هیچ کدام از فلزات ساخت زمین نیست بلکه آنها در دل ستاره گان دیگر ساخته میشود و وقت این ستاره ها که عمرشان به آخر میرسد به یگ انفجار بزرگ خاتمه پیدا میکند این انفجار تمام آهن موجود در هسته را در فضا ی بیکران پخش میکند وقت سیاره ای در حال شکل گیری باشد با خود جذب نموده سپس آنیکه وزن شان بیشتر است طرف هسته هدایت میشود زمین هم همین قسم است هسته زمین از آهن مذاب است واما طلا و دیگر فلزات قیمتی در هسته ای ستاره گان غول پیکر که هزاران مراتب از خورشید بزرگ باشد ساخته میشود و قتیکه عمر این ستاره گان به آخر رسید به یگ انفجار بزرگ خاتمه پیدا میکنند این انفجار تمام آن فلزات که در هسته وجود داشت در فضا به قسم ذرات پخش میکند سیارات که در حال شکل گیری هستند با خود جذب میکنند مثلیکه آهن را جذب کرده بودند بناء تمام این فلزات از دیگر جای به زمین آورده شده اند قسمیکه خداوند متعال در قرآن ذکر نمود، از قراریکه

۱۲ / صلاح الدین سادات

دانشمندان زمین‌شناسی ذکر میکنند طلای موجود درهسته زمین اگر بیرون کرده شود در تمام خشکی زمین یگ لایه نیم مطری ساخته میشود مگر بیرون کردن آن غیر ممکن است چون حرارت آن به شش هزار درجه میرسد هر چیزی قبل از رسیدن به آنجا ذوب میشود .. هم‌چنان در سورهٔ فصلت، آیت (۱۱) می‌فرماید: «فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا». ترجمه: پس گفت پروردگار برای آسمان و زمین، میایید یا بیاوریم تان به زور؟ همهٔ این آیات دلالت بر این می‌کند که زمین و هفت لایه‌ی بالای که بنام آسمان ذکر شده از دیگر جا آورده شده‌اند. اطلاق زمین به همین هفت طبقهٔ داخل زمین استعمال شده است، چیزی را که قرآن کریم بیان نموده است با گزارشات علمی همسان می‌باشد، گویا گزارشات علمی تفسیر از قرآن باشد. گرچند تمام گزارشات علمی توسطِ مردمان غیرمسلمان صورت می‌گیرد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۳

تکمیل شدن زمین در دو روز دوم

این شروع مرحله دوم است درین مرحله ساختن کوه ها از بالای زمین است خداوند متعال در سوره فصلت، آیت (۱۰) چنین می فرماید: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ». ترجمه: وگردانید در زمین کوهها را از بالای زمین و برکت نهاد در آن و اندازه کرد در کوهها روزیهای اهل آنرا در چهار روز کامل، برای سوال کنندگان، یعنی کسی سوال کند که زمین در چند روز تکمیل شده، جواب بگو که در چهار روزپوره. در این چهارروز دوروز اول هم شامل است اول اینکه کوه ها هم جزوی از زمین است دوم اینکه این اشتباه برداشته شود که این چهارروز جدا از دوروز اول نیست به همین خاطر به پیامبر اکرم ص میگوید که هرکه از تو سوال کند زمین در چند روز ساخته شده در جواب بگو که در چهارروز پوره یعنی درچهار مرحله دوروز اول دو مرحله

۱۴ / صلاح الدین سادات

دوروز دوم هم دو مرحله.. درین دو روز دوم کوهها بالای زمین انداخته شد، اولین مفاد کوهها این است که وظیفه میخ را اجراء می‌کنند، چنانچه (میخ) چیزی سست و لرزان را قائم نگه می‌دارد. این چنین کوهها هم زمین را از میلان نمو دن به جانب دیگر نگه میدارد. چنانچه خداوند متعال در سورهٔ نباء، آیت (۷) چنین می‌فرماید: «وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا». ترجمه: آیا نگردانیدم کوهها را میخ زمین، کوهها چندین برابر خود ریشه داخل زمین دارد این ریشهها در لایه‌های زیرین وصل هستند تا که پوسته‌های بالای را از لرزه داءمی ولغزش نگه دارند؟ علاوه بر قائم نگه داشتن زمین تمام چیزهای حیاتی را خداوند ﷻ در کوهها خلق کرده است، از قبیل فلزات قیمتی و تمام معدنیات که برای انسانها ضروری بود همه را در کوهها خلق کرده و از همه مهم‌تر برای زندگی انسانها حتمی و ضروری میباشد ذخایر آب است آنها در کوهها ذخیره می‌شود، چون برفها در زمستان در کوهها ذخیره می‌شود و در تابستان برای کشت و زراعت استفاده می‌شود. بناءً خداوند ﷻ کوهها را محل برکت و محل رزق و روزی باشندگان اهل زمین تعیین نموده است.. هم‌چنان خداوند ﷻ در سورهٔ ق، آیت (۷)

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۵

چنین می‌فرماید: « وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ». ترجمه: و زمین را گسترده‌ایم و افگندیم در آن کوه‌ها را و رویانیدیم در آن از هر نوع با رونق جفت چه انسان باشد چه حیوان چه درخت باشد و چه گیاه همه را جفت افردیم یعنی نرو ماده ، خداوند متعال اول گسترش زمین را یاد کرد بعد افگندن کوه‌ها را. قبلاً گفتیم که در دو روز اول گسترش زمین شروع شده و تمام هفت طبقه داخل زمین در مرحله‌ی اول تمام شده بود، بعد از تمام شدن هفت طبقه داخل زمین بالای آن کوه‌ها افگنده شد، کوه‌ها به چند طریق پدید آمدند کوه‌ها یکی دورودراز هستند آنها بنابه اثر بر خورد قا ره‌ها پدید آمدند آنرا خداوند متعال بنام کوه‌های رواسی یاد کرده اشاره به کوه‌های بلند و پا برجایی که سنگینی و ریشه‌های عمیق شان باعث آرامش زمین از لرزه‌های داعمی میشود .. بعضی‌های شان به اثر تصادم لایه‌های درون زمینی به وجود آمده‌اند اما اکثریت کوه‌ها به اثر آتش فشانی که سالیان سال دوام داشته پدید آمده‌اند... خداوند متعال واضح و آشکارا بیان نمود که در این چهار روز فقط زمین ساخته شد، نه کائنات، هیچ کس گفته نمی‌تواند که در این چهار روز یا چهار مرحله

۱۶ / صلاح الدین سادات

دیگر کائنات هم شامل است، چراکه خداوند ﷻ به پیامبرش فرمود، هر که از تو سوال کند زمین در چند روز ساخته شده است، جواب بگو که در چهار روز پوره. حالا تمام چیزهای که برای انسان‌ها ضروری بود، چه از نگاه داد و ستد و چه از نگاه رزق و روزی همه در همین چهار روز تکمیل شد، مگر بازهم در زمین، برای یک دقیقه زندگی کرده نمی‌شود چرا که نظر به تحقیقات علمی زمین بدون لایه‌های بالایی بعد از طلوع آفتاب به حدی گرم میشد که هر آن چیزی که در زمین بود آتش می‌گرفت و اما بعد از غروب آفتاب به حدی سرد میشد که به منفی ۹۰ درجه میرسید، در هر دو صورت زندگی کردن ناممکن بود، علاوه بر آن زمین زیر بمباردمان فضایی قرار داشت، همه روزه صدها شهاب سنگ به زمین برخورد میکرد. حالا چه تدابیر گرفته شود که هم هوا معتدل شود و هم از برخورد شهاب سنگ‌ها جلوگیری شود. بنائاً پروردگار عالم توجه خود را به جوی زمین نمود تا که به دور زمین محافظ قرار دهد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۷

ساختن هفت طبقه آسمان ها در دو روزِ آخر

در سورهٔ فصلت، آیت (۹) خواندید که زمین در دو روز اول یا در مرحله‌ی اول گسترش داده شد، هم‌چنان در آیت (۱۰) همین سوره خواندید که در دو روز دوم یا در مرحله‌ی دوم بالای زمین کوه‌ها افکنده شد، و حالا در دو روز سوم که مرحله‌ی آخرین است خداوند ﷻ در آیت (۱۱) همان سوره چنین می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ». ترجمه: سپس به آفرینش آسمانها پرداخت در حالیکه او دود بود، یعنی بعد از ساختن زمین در چهار روز، توجه خود را به طرف آسمان کرد که آسمان دود بود، چون در مرحله دوم که ساختن کوه‌ها توسطی آتش فشانها بود این دود آتش فشانها نیسان سال دوام داشت تمام جوی زمین مملو از دودهای غلیظ سمی بود که توسط همین آتش فشانها به وجود آمده بود باید آنها تصفیه شده به گازهای مختلف تبدیل شود تا که هوای صاف شود

۱۸ / صلاح الدین سادات

سپس ازین گازها سیر محافظتی ساخته شود تا که زمین از تمام بلا یای آسمانی محافظت شود، باید آن‌ها بطور دقیق و منظم جابجا شوند چنانچه در آخر همان آیت (۱۱) می‌فرماید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا». ترجمه: پس ساخت آن دودها را هفت طبقه آسمان در دو روز و فرستاد در هر آسمان تدبیر مناسب، دود همان گاز، چراکه اول به صیغه مفرد ذکر کرد و اما در تقسیمات به صیغه جمع ذکر نموده گفت که «فَقَضَاهُنَّ» این گازها را هر کدام در جای اصلی اش جابجا نمود در دو روز، یعنی در آسمان اول چه نوع گازات وجود داشته باشد و در آسمان دوم چه نوع گازات، تا آسمان هفتم. این بود کلام پروردگار که زمین و آسمان را ساخته، در کجای این آیات، تمام عالم ذکره شده است، وضاحتاً توضیح داده شد که در مرحله اول زمین وسعت داده شد، در مرحله دوم هم کوه‌ها بالای زمین افکنده شد، و در مرحله سوم هم هفت طبقه آسمان از گازات به خاطر محافظت زمین ساخته شد نه کائینات، به چند دلیل، دلیل اول اگر ما از سموات کل جهان را بگیریم به آیت بست و هشت سوره نازعات درتنا قضی آشکار روبه میشویم چون آن جا اول

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۹

پیدایش بلندی ها ذکر شده سپس پیدایش زمین، اما اینجا سوره فصلت اول زمین ذکر شده سپس آسمان ها برای همه معلوم است که زمین بعدا ساخته شده نه کاینات دیگر.. اگر از آسمان ها لایه های هفت گانه‌ی بالای زمین را بگیریم چنانچه که خداوند متعال فرمود از گاز ها ساخته شد درین صورت به هیچ تناقضی روبرو نمیشویم وهم موافق با گزارشات علمی میشویم . همچنین درسوره انبیا آیت سی میفرماید **أولم یر الذین کفروا أن السّمٰوٰتِ والأرضَ کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماءِ کلّ شیءٍ حیّ أفلا یؤمنونَ** (۳۰) ترجمه آیانی بینند آنانیکه کافر شدندبه تحقیق که آسمانهاوزمین بودند مخلوط ما آنها را ازهمدیگر جدا نمودیم وهرچیزی زنده ای را از آب قرار دادیم آیا ایمان نمی آورند ؟ چون همین هفت طبقه آسمان که ازدود ساخته شد این دود از قعر زمین توسط آتش فشان ها به بیرون آورده شده بود قبل از آن همه یگ جا مخلوط بودند، اگر از هفت آسمان جهان را بگیریم جهان که هفتا نیست، یکی دیگر اینکه اینجا بحث خلقت جهان نیست بلکه بحث خلقت حیات در زمین است چراکه درآیت بلا فا صله از آب ذکر میشود آب مبدعی حیات است ،گرچه این آیت را

۲۰ / صلاح الدین سادات

بعضی محققین ربط میدهند به شروع جهان به انفجار بزرگ مگر هیچ ربطی به آن ندارد چراکه آن وقت نه زمینی بود و نه هم آسمانی و نه هم آبی، بناء اینجا منظور زمین وهفت طبقه‌ی جوی آن است، کسانی که معتقد اند خداوند ﷻ کُل عالم را در شش روز خلق کرده است، آن‌ها نه از قدرت پروردگار باخبر اند و نه هم از عظمت کائنات.

تحقیقات که دانشمندان فضایی انجام داده اند آنها تخمین می زنند که بیشتر از دو صد میلیارد کهکشان وجود دارد، هر کهکشان یک عالم جداگانه میباشد. ما هم در یکی از همین میلیارد کهکشان زندگی میکنیم که کهکشان راه شیری نام دارد، و سپس همه این کهکشانها را در خلقت شش روزی دَخل دادن، هم مخالف قرآن است و هم مخالف علم، چراکه خلقت کائنات تمام شده نیست. چنانچه در سوره الرحمن آیت بست و نه چنین میفرماید؟ هر روزی او در خلقت نو است؟ یعنی در خلقت مداوم و همیشه، و همچنین در سوره زاریات، آیت چهل وهفت خواندید که خداوند متعال فرمود آسمان را ما با قدرت بنا کردیم پیوسته آنرا وسعت میدهیم. .. آسمان این جا بمعنای بلندی است هر آن چیز یکه در بالا باشد شامل است .. وسعت دو قسم

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۲۱

است یکی وسعت شروع ساختار است، یکی هم بعد از ساختار، وسعت شروع ساختار سرعت آن به اندازه سرعت نور است.

خداوند ﷻ از لحظه که امر وسعت عالم را داده است تا همین لحظه به همان سرعت نور، جهان در وسعت است با این سرعت پروردگار عالم در سوره نازعات، آیت (۳) قسم یاد نموده، چنین می فرماید: «وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا». ترجمه: قسم به شنا کنندگان بسرعت، و اما وسعت بعد از ساختار ضعیف است مثلاً همین کهکشانشان خودمان که کهکشانشان راه شیری است، این هم وسعت پیدا می کند. بنا به اثر همین وسعت تمام ستاره ها و سیارات از همدیگر دور میشوند بطور مثال ماه، سالانه اندکی از زمین دورتر می شود. این وسعت هم از نگاه قرآن ثابت است و هم از نگاه علم، خداوند متعال در همه جا حرکت کهکشانشان ها و ستاره ها را به لفظ شنا و یاد کرده در حالیکه شنا در بحر ها صورت میگیرد، این نشان میدهد که فضا از دیدگاه قرآن یگ خلاء مطلق و پوچ نیست، بلکه یگ بحر است عظیم، نه تنها قرآن کریم فضا را خالی نمیداند بلکه فزیک دانان مدرن هم به این عقیده اند یگ بافتی در فضا وجود دارد که تمام اجرام بر روی آن غوطه و راند، سوال چرا

۲۲ / صلاح الدین سادات

خداوند ﷻ دَور زمین را هفت طبقه ساخت، از گازات، جواب این را خداوند ﷻ در سوره انبیاء آیت (۳۲) چنین می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا». ترجمه: و گردانیدیم آسمان را سقفِ محافظتی، در آیت سی همین سوره خواندید که خدوند متعال فرمود آسمان و زمین با هم مخلوط بودند ما آنها را از همدیگر جدا نموده آسمان را آسمان و زمین را زمین ساختیم.. پس همین آسمان را سقف محافظتی زمین قرار دادیم، این سقفِ محافظتی زمین را از تمام بلاهای آسمانی محافظت می‌کند، این آیات تمام آن روایات ها را رد می‌کند که می‌گویند، یک آسمان در این جهان و یک آسمان دیگر هم در جهان دیگر، تا هفتم و هم‌چنان بعضی روایات دیگر را هم رد می‌کند که می‌گویند، یک آسمان از لاجورد و یک آسمان دیگر از یاقوت تا هفتم از هفت چیز، چرا که خداوند ﷻ صراحتاً بیان نموده است که هفت طبقه آسمان دَور زمین از گازها ساخته شده است بخاطر محافظت زمین. حالا ما مسلمان‌ها هیچ نوع آله و اسباب فضایی نداریم که طبقات آسمان را تعیین کند و هم چنین در هر طبقه چه نوع گاز وجود دارد، آنرا هم نمی‌دانیم، مجبوریم که برویم سراغ دست آوردهای دانشمندان غیر اسلامی که در مسایل

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۳

فضایی کار می‌کنند، و آن‌ها فضای زمین را به پنج طبقه تقسیم کرده‌اند. البته تا ده هزار کیلومتری بالای زمین را، ما هم گفته‌های آن‌ها را با گفته‌های قرآن کریم مقایسه نموده، تقسیم بندی می‌کنیم.

طبقه اول آسمان

لفظ آسمان به هر بلندی اطلاق می‌شود، اما در جای که هفت طبقه آسمان و یا آسمان و زمین ذکر شود، مخصوص همین هفت طبقه دور زمین می‌باشد، واما بدون ذکر زمین به تمام بلندی‌ها اطلاق می‌شود. ضخامت طبقه اول را نظر به تحقیقات علمی تا ده کیلومتری بالای زمین را گرفته‌اند و متشکل است از ۷۸٪ نایتروجن، ۲۱٪ اکسیجن و ۱٪ از گازات مختلف دیگر می‌باشد. در این طبقه که اولین طبقه آسمان است همه زنده جان‌ها و پرنده‌ها در همین آسمان زندگی می‌کنند هم‌چنان پرواز طیارات مسافربری، باریدن برف و باران، ابرها، رعد و برق همه و همه از همین آسمان صورت می‌گیرد. این گفته‌ها از نظر دانشمندان علوم نجومی بود، عین چیز است که قرآن کریم بیان می‌کند.

۲۴ / صلاح الدین سادات

این طبقه که طبقه اول است از اهمیت خاصی برخوردار است چراکه خداوند متعال این طبقه را در ده ها جای از قرآن بنام آسمان یاد کرده، می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً». ترجمه: فرود آوردیم از آسمان آب باران را. هم‌چنان در ده ها جای می‌فرماید: فرود آوردیم از آسمان عذاب را بالای فلان قوم، خلاصه در همه جا خداوند متعال این طبقه را بنام آسمان یاد کرده است، در این طبقه که طبقه ی اول است به هراندازه که بالا بروید، هوا سردتر و آکسیجن هم کمتر می‌شود تا آخرین مرحله ده کیلومتری سردی به منفی ۵۰ درجه میرسد. کمبود آکسیجن در بالا را قرآن کریم نیز تأیید می‌کند، چنانچه در سوره انعام آیت (۱۲۵) چنین می‌فرماید: «وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يُّضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ». ترجمه: کسی را که بخواهد گمراه کندش، میگرداند، سینه او را بی نهایت تنگ مثل کسی که بالا می‌رود به آسمان.

اول اینکه خداوند متعال در این طبقه که ما زندگی میکنیم به نام آسمان یاد کرد و بعداً اشاره نمود که هر قدر به آسمان بالا بروید دل تنگی هم زیاد شده، نفس قید میشود بخاطریکه آکسیجن در بالا کم است. بناءً دل تنگی

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۲۵

مشرکین را به دل کسی تشبیه داد که به آسمان بالا می‌رود، گرچند هنگام نزول این آیت هیچ کس نمیدانست که در بالا، نَفَس کشیدن مشکل باشد اما حالا با پیشرفت علم ثابت شد که چنین است. مهم ترین وظیفه این طبقه معتدل نگه داشتنِ هوای زمین است، اگر این طبقه نباشد، بعداز طلوع آفتاب درجهٔ حرارت به ۱۷۰ درجه بلند می‌رود و اما بعداز غروب آفتاب به منفی (۹۰) درجه میرسد. پس در هردو صورت زندگی کردن مشکل خواهد بود. خداوند متعال این طبقهٔ اول آسمان را مخلوط با هم نشینان زمین ذکر کرده است، چنانچه در سورهٔ سباء آیت (۹) چنین می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». ترجمه: آیا نمی بینند به آنچه پیش روی شان است و آنچه پشت سرشان از آسمان و زمین، یعنی آسمان را مثل زمین موجود ذکر نمود، از اینکه پیشروی تان هم آسمان و زمین و پشت سرتان هم آسمان و زمین. این گازات موجود در روی زمین در رگ رگ وجود مان مخلوط می باشد. این بود طبقه اول آسمان از نگاه علمی و قرآنی.

طبقه دوم آسمان

شروع طبقه دوم نظر به تحقیقات علمی که توسط دانشمندان علوم نجومی صورت گرفته است از ۱۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود تا ۵۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد. از شروع این طبقه، درجه حرارت شروع به بالا رفتن می‌کند، در طبقه اول هر قدر که بالامیرفتید همان قدر سردی زیادتر می‌شد اما در طبقه دوم هر قدر که بالا بروید به همان اندازه درجه حرارت بالا می‌رود. وظیفه مهم این طبقه آن است که مضررات آفتاب را دفع می‌کند و نمی‌گذارد که مضررات آفتاب به طرف زمین بیاید، در صورت نبود این طبقه تمام باشندگان زمین به خطر سرطان پوستی مواجه می‌شدند، اگر می‌خواهید طبقه دوم تا پنجم از چه نوع گازها ساخته شده به تحقیقات علمی مراجعه کنید

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۷

طبقه سوم آسمان

نظر به تحقیقات دانشمندان علوم نجومی شروع طبقه سوم آسمان از ۵۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود و تا ۸۵ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد.

این طبقه بر خلاف طبقه دوم شروع به سرد شدن می‌کند و بالایی‌های این طبقه تا منفی ۹۰ درجه میرسد. وظیفه مهم این طبقه محافظت زمین از شهاب سنگ‌ها بوده و نمیگذارد که شهاب سنگ‌ها به طرف زمین بیایند، کاملاً سنگ‌ها را می‌سوزاند، و در صورت هوای صاف در شب تاریک شما هم می‌توانید حالت سوختن آنرا مشاهده کنید. مثلاً در شب طرف آسمان نگاه کنید گاه گاهی نورها بسیار به سرعت بالا حرکت می‌کنند، همان‌ها شهاب سنگ‌های در حال سوختن هستند. اگر این طبقه نبود، همه روزه

۲۸ / صلاح الدین سادات

هزاران شهاب سنگ به زمین برخورد می کرد و جان
هر موجود روی زمین را میگرفت.

طبقه چهارم آسمان

چهارم طبقه‌ی آسمان از ۸۵ کیلومتری بالای زمین شروع
می‌شود تا ۷۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد.
در این طبقه از آسمان شفق‌های قطبی تولید می‌شود، این
طبقه برخلاف طبقه سوم شروع به گرم شدن می‌کند و
درجه حرارت آن از ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ درجه میرسد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۲۹

طبقه پنجم آسمان

طبقه پنجم آسمان از ۷۰۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود و تا ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد. این طبقه هم به نوبه خود، وظیفه دفع شعاع انفجارهای که در خورشید رخ میدهد را دارد و اجازه نمی‌دهد که شعاع این انفجارها از این طبقه عبور کند. اگر این طبقه نبود تمام گازات موجود زیر این طبقه را خورشید می‌بلعید. بنام هر کدام از طبقات آسمان وظیفه خاص خود را دارد چنانچه درسوره انبیاء خواندید که هفت طبقه آسمان بخاطر محافظت زمین ساخته شده است، این طبقات از آسمان از نگاه علمی بنام تروپوسفر، و استراتوسفر، و مزوسفر، و ترموسفر، و اگزوسفر، و یونوسفر، و مگنتوسفر، شناخته میشوند. اما از نگاه قرآن همه بنام آسمان یاد شده است.

۳۰ / صلاح الدین سادات

تحقیقات علمی تا ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین را بررسی نموده به پنج طبقه تقسیم کرده اند. طبقه ششم و هفتم آنقدر وسیع است که اسباب امروزی نمی‌تواند محدوده آنرا تعیین کند، امکان دارد در آینده‌ها با پیشرفت علم و تکنالوژی محدوده آن‌ها هم معلوم شود. حالا می‌پردازیم به طبقه ششم و هفتم آسمان از نگاه قرآن.

طبقه ششم آسمان

طبقه ششم آسمان از ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود تا محدوده منظومه شمسی امتداد دارد. در این آسمان، خورشید همراه با سیاراتش به شمول مهتاب داخل همین آسمان قرار دارد. چنانچه خداوند متعال در سوره نوح آیت (۱۶) چنین می‌فرماید: «وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا». ترجمه: گردانید ماه را در میان آسمان‌ها روشنی و گردانید آفتاب را چراغی فروزنده. خداوند متعال در آیت (۱۵) همین سوره، هفت طبقه بودن آسمان را ذکر می‌کند، بعداً در آیت (۱۶) می‌گوید که داخل همین آسمان آفتاب و مهتاب می‌باشد. وقتیکه آفتاب و مهتاب وجود داشت و دیگر سیارات آفتاب هم داخل همین آسمان می‌باشد. در آیت اول ماه ذکر شد بعداً آفتاب چراکه تقسیمات

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۱

آسمان از پائین به بالا است چون ماه در ۳۸۵۰۰۰ کیلومتری بالای زمین قرار دارد. آفتاب هم در ۱۵۰ میلیون کیلومتری بالای زمین واقع است. بناءً خداوند متعال اول ماه را ذکر کرد، سپس خورشید را، اما زمین را ذکر نکرد چراکه زمین در این آسمان نیست، بلکه زمین در آسمان اول است. معلوم نیست که در صورت نبود این طبقه چه بلایی بر سر باشندگان زمین می آمد، حتماً بدون حکمت و نفع نمی باشد.

طبقه هفتم آسمان

طبقه آسمان هفتم از محدوده شمسی شروع می‌شود تا آخر دنیایی ما که کهکشان راه شیری نام دارد، همه ستاره‌ها و سیارات به شمول خود کهکشان راه شیری داخل همین آسمان هفتم می‌باشد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره ملک آیت (۵) و هم‌چنان در سوره صافات آیت (۶) چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ». ترجمه: به تحقیق زینت دادیم ما آسمان دنیا را به چراغ‌ها که همان ستاره‌ها می‌باشد، دنیا عبارت از کهکشان راه شیری است چراکه مرکز دنیای ما همین کهکشان می‌باشد. وسعت آسمان هفتم را هیچ کس اندازه کرده نمیتواند به جز از پروردگار که آنرا خلق کرده، همچنین کس نمی‌داند که

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۳

این طبقه چه نفع بالای زمین دارد، چراکه پروردگار عالم در سوره انبیاء آیت (۳۲) تذکر داده است که تمام طبقات آسمان بخاطر محافظت زمین ساخته شده است. اینکه چطور یگ دود آتش فشانی به جای نا بودی تبدیل به هفت طبقه ی حفاظتی میشود، و چطور زمین را با کل کهکشان در یک تعادل ملی متری قرار میدهد نشان دهنده ای یگ اراده آگاه است که لحظه به لحظه این امر را تدبیر میکند، بناء حیات تصادفی نیست بلکه ثمره یگ بر نامه دقیق است که وقتی زیر ساخت هایش تمام شد زندگی آغاز گشت.

پی در پی بودنِ هفت طبقهٔ آسمان

طبقه بندی آسمان‌ها را از نگاه علوم نجومی خواندید که همه با هم متصل بوده و باهم پیوست می باشند، واز نگاه قرآن هم آسمان‌ها باهم متصل ذکر شده است. مثلاً قرآن کریم در سورهٔ ملک آیت (۳) چنین می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا». ترجمه: الله ذاتِ است که پیدا کرده هفت طبقه آسمان را پی در پی با هم متصل. هم‌چنان در سورهٔ نوح آیت (۱۵) چنین می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا». ترجمه: آیا نمی‌بینند چگونه پیدا کرده هفت آسمان‌ها را پی در پی باهم متصل، نظر به آیات که ذکر شد صراحتاً بیان نمود که آسمان‌ها باهم متصل می باشند نه از هم جدا، عینِ چیزیکه گزارشات علمی می گوید. در همه جا خداوند متعال آسمان را بنام ساختمان یاد کرده

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۵

است و در چند جای ساختمانِ هفت طبقه ای یاد کرده است. بناءً این آیات بعضی روایات را رد می‌کند که می‌گویند، یک طبقه در این جهان و یک طبقه دیگر در جهان دیگر تا هفتم. هم‌چنان در سورهٔ ا لنباء آیت (۱۲) می‌فرماید: «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا». ترجمه: بنا کردم بالای سر شما هفت بناء محکم.. گرچه این طبقات ازگازها ساخته شده است لکن آنقدر سخت و مقاوم اند که تمام شهاب سنگ های که طرف زمین می‌آیند نمیتواند ازین طبقات عبور کند.. کلمه شداد یعنی بسیار محکم به خوبی تو صیف کننده این است که این لایه هاصرفاگازهای رها شده نیستند بلکه یگ سستم دفاعی نفوذ نا پذیرومهندسی شده هستند درواقع این لایه ها مانند یگ صافی هوشمند عمل میکنند سنگ های سرگردان وپرتوهای خطر ناک را متوقف میکنند به اجسام که انسان ها با علم وطراحی دقیق ساخته شده اند اجازه عبور میدهند.. علاوه بران این لایه ها صرفا دراطراف زمین معلق نیستند بلکه بخشی جدای نا پذیراززمین محسوب میشوند ودقیقا با همان سرعت زمین حدود ۱۶۰۰ کیلو متر درساعت به دور مرکز خود میچرخد اگر این لایه هاهمراى زمین نمی چرخید ما شاهد باد های

۱۳۶ / صلاح الدین سادات

با سرعت ۱۶۰۰ کیلو متر در ساعت بودیم که همه چیز را از روی سطح زمین پاک میکرد، این ها همان بنای محکم هستند که زمین را در آغوش گرفته اند تا زندگی در میان این چرخشی سریع در کمال آرا مش زمین مثل گهواره باشد .

هفت طبقه بودن زمین

خداوند متعال داخل زمین را هم عین آسمان هفت طبقه آفریده است ، چنانچه خداوند ﷻ در سوره طلاق آیت (۱۲) چنین می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ». ترجمه: الله ﷻ ذات است که پیدا کرده هفت طبقه آسمان ها را و از زمین هم مثل او .. قبلاً خواندید که خداوند متعال در مرحله ای اول زمین را گسترش داده است، این گسترش هفت طبقه بوده داخل زمین این هفت طبقه داخل زمین هم مثل هفت طبقه آسمان از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه لایه های بالای نباشد بلا فاصله از نبود اکسیجن و فشار می میریم این چنین اگر لایه های درونی هم نباشد زمین محافظ مغناطیس اش را از دست میدهد جوش توسط خورشید نا بود میشود خلاصه لایه

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۳۷

های درونی به لایه های بیرون در ارتباط مستقیم هستند تا که حیات در بالای زمین ادامه پیدا کند . در بین زمین هسته زمین قرار دارد و این هسته ارتباط دارد با مرکز خود که کهکشان راه شیریست، چنانچه خداوند ﷻ در سوره طلاق، آیت (۱۲) می فرماید: «يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ». ترجمه: نازل می شود حکم پروردگار در میان آنها، یعنی با وجود این همه راه دور که به هیچ حسابی برابر نمی شود یک نوع ارتباط بین کهکشان و بین هسته ای زمین وجود دارد نیروهایکه از اعماق زمین مانند میدان مغناطیسی برون می آیند بانیروهایکه از فضا وارد می شوند در فضای میانی با هم ملاقات کرده و خنثی می شوند تا محیطی امن برای انسان فراهم شود بناء در آخر همین آیت می فرماید: «لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». ترجمه: تا بدانید که الله ﷻ بر هر چیزی توانا است.

پیدائش آب در زمین

سبب زندگی همه زنده جانها آب است، چنانچه درسوره انبیادربخشی آیت ۳۰ چنین میفرماید، وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۰﴾ ترجمه وهر چیزی زنده ای را از آب پدید آوردیم پس چرا ایمان نمی آورند ..؟ آب ازدوطریق درزمین بوجود آمده طریق اول مقادیر زیاد اب از داخل خود زمین بیرون آمده، دراعماق زمین درلایه‌ی بنام گوشته مقدار عظیم اب به شکل ترکیبات معدنی وجود داشت درابتدای شکل گیری زمین، فعالیت اتش فشانی این اب هارا بصورت بخارازدل زمین خارج کرد، این بخار ها در جوی اولیه سرد شدندسپس به شکل باران های سیل آسا به زمین باز گشتند این بازگشت سیل آسا صدها هزار سال دوام داشت واقیانوس هارا درگودال ها سرا زیر کردند،این

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۳۹

همان آب است که خداوند متعال در سوره نازعات، آیت (۳۱) چنین می‌فرماید: «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا». یعنی بیرون کرد از خود زمین آبش را و گیاهان را.. یعنی آبیکه داخل زمین بود بیرون آورد.. طریق دیگر آمدن آب در زمین توسط سیارک‌های یخی و دنباله‌دارهاست که هزاران سال بطور عجیبی به زمین برخورد می‌کردند این قسم آمدن آب را در زمین خداوند متعال تعجب آور ذکر میکند، چنانچه در سوره عبس، آیت (۲۵) چنین می‌فرماید: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا». ترجمه:، به تحقیق ریختیم ما آب را ریختنی عجیب.. صب. در لغت بمعنای ریختن آب ظرف از بالا به یگ باره گی است. این تعبیر بافر آیند ورود حجم عظیم آب از طریق بمباران سیارک‌ها و دنباله‌دارها که با سرعت بسیار زیاد از فضا به زمین برخورد می‌کردند هماهنگی عجیبی دارد: زمین کاملاً درین دو مرحله تکمیل شد لایه‌های هفت گانه هم در یگ مرحله تمام شد زمین هم از دو طریق پر از آب شد مگر باز هم حیات در اقیانوس‌ها باقی میماند در خشکی‌ها تنوع حیات صورت نمی‌گرفت، چراکه تمام خشکی‌ها فعلاً یگ پارچه هستند باید آن خشکی‌ها پارچه پارچه شوند تا قاره‌ها پدید بیایند بنام خداوند عالم زمین را

۴۰ / صلاح الدین سادات

پارچه پارچه نمود چنانچه . در سوره عبس، آیت (۲۶) می‌فرماید: «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا». ترجمه: بعداز آن شقه شقه کردیم ما زمین را شقه شقه کردنی ، ثم بعد زمانی ست یعنی بعد از مدتی زمین را شکافتیم . شق بمعنای پارچه کردن و جدا کردن است . به سببی شقه کردن زمین قاره ها به وجود آمدند ، به تعقیب این آیت تذکر میدهد که «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا». ترجمه: پس رویانیدیم در آن زمین های شقه شده دانه، چراکه بدون شکل گیری گیاهان و درختان باز هم شکل گیری حیات ناقص می ماند چون همین گیاهان و درختان هستند که نیم اکسیجن جهان را تشکیل میدهند ، حالا زمین به ساخته شدن هفت طبقه ای داخلی، و سپس ساخته شدن کوه ها بالای زمین ، و سپس هم ساخته شدن هفت طبقه ای گازی از بالای زمین، و بعدا هم پیدایش آب در زمین، و بعد از آن پیدایش قاره ها ، و سپس گیاهان و درختان ، دیگر زمین به پایه ای اکمال رسید حالا هر زنده جانی میتواند در زمین زندگی کنند ، تمام این ساختار در شش روز هر دو روز یک مرحله در سه مرحله به اتمام رسید، چنانچه خداوند متعال در سوره ای ق آیت ۳۸ چنین میفرماید وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۱

بَيْنَهُمَا فِي سِتِّهِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ﴿٣٨﴾ ترجمه ؛ و به یقین آسمان ها وزمین و آنچه درمابین آن دواست درشش روز آفریدیم و هیچ گونه خستگی و در ماندگی به ما نرسید ، قبلا گفتم که در هر جائیکه آسمانها وزمین و یا هفت طبقه آسمان ذکر شود منظور هفت طبقه ای بالای زمین میبا شد چراکه خداوند متعال درآیت از اتمام ذکر نمود اگر از آسمانها کل جهان را بگیریم کل جهان نظر به آیت ۴۷ سوره ای زاریا ت در حال وسعت و خلقت است نه تمام شده ؟ همچنین خداوند متعال در سوره فصلت بطور واضح و آشکارا بیان نمود که درین شش روز زمین و هفت طبقه آسمان ساخته شد نه کل کاینات ، درآیت بین هردو یعنی بین زمین و آسمان ذکر شد بین هردو همان نیروهای نا مرئی است که زمین و آسمان را قاعیم نگه داشته است، خداوند متعال تمام این ساختار ها را مخصوص انسان ها ذکر نموده است چنانچه در سوره نازعات

آیت (۳۳)، هم چنان در سوره عبس، آیت (۳۲) می فرماید: همه ای اینها بخاطر معیشت شما و چهارپایان شما است. از این آیات معلوم می شود که تمام ساختار زمین به خاطر انسان ها ساخته شده است، گرچه قبل از پیدائش انسان ها

۴۲ / صلاح الدین سادات

ملیون ها سال، حیوانات عظیم الجسه در زمین زندگی کرده بودند اما آن‌ها هوشمند نبودند که مأمور به عبادت باشند هوشمندانِ که مأمور به عبادت اند، انس و جن اند، اما جن‌ها از قرار گفته‌های قرآن کریم، احتیاج به خورد و نوش راندارند چراکه خداوند متعال همه ی آن چیزهای خوراکی را مختص به انسان‌ها و چهارپایان آن‌ها، ذکر نمود،، خداوند متعال زمین را بانظم حیرت انگیز مهندسی کردوانسان رابه عنوان خلیفه درآن قرارداد، مسؤولیت انسان درقبال این امانت بزرگ در سه محور اصلی خلاصه میشود ، یک، آبادگری وشگوفای یعنی استفاد ه از استعدادها برای شگوفای طبیعت نه تخریب آن، دو، حفظ تعادل میزان، خداوند متعال زمین را با نظم ومیزان آفریده است مسؤولیت انسان این است که با زیاده خواهی.مصرف گرای بیش حد.وآلوده کردن منابع آب وخاک وهوا این نظم مهندسی شده را به هم نزنند ؟ سه ، عدالت در بهره برداری، منابع زمین متعلق به همه نسل ها است انسان باید به گونه ای ازطبیعت استفاده کندکه حقی آینده وسایر موجودات زنده ضایع نشود؟ پس باید انسان این نعمت بزرگ پروردگارراشکر گزاری نموده از اسراف وفساد فی الارض

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۳

پرهیزنماید ؟ خلاصه میلیون‌ها سال زمین به همین حالت بود تا روزیکه خداوند ﷻ خواست، انسان را به زمین بیاورد. آوردن انسان را می‌گذاریم به بعد، می‌پردازیم به گردش زمین و دیگر اجرام کائنات.

گردش زمین

زمین سومین سیاره خورشید است، غیر از گردش مرکزی دو نوع گردش خودی دارد. گردش دور خود و هم گردش دور خورشید، گردش دور خود را در ۲۴ ساعت تمام می‌کند که از این چرخش روز و شب به وجود می‌آید که سرعت چرخش آن در خط استوا حدود ۱۶۷۰، کیلو متر بر ساعت است اما هرچه به قطبین نزدیک شویم، این سرعت کمتر می‌شود، و اما چرخش دور خورشید را در ۳۶۵،۵ روز تمام می‌کند از این چرخش سال به وجود می‌آید، زمین با سرعت حدود ۳۰ کیلو متر بر ثانیه در فضای بیکران پیش می‌رود.

۴۴ / صلاح الدین سادات

خداوند ﷺ گردش زمین را در سوره نمل آیت (۸۸) چنین می‌فرماید: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». ترجمه: می‌بینی کوه‌ها را گمان می‌کنی در جای ایستاده باشند در حالیکه می‌روند مثل رفتار ابرها، یعنی مثل ابر در حرکت می‌باشند. بعضی‌ها مفهوم این آیت را به روز قیامت ربط داده‌اند در حالیکه در قیامت کوه‌ها کاملاً از بین می‌روند، اثر از کوه‌ها باقی نمی‌ماند. بناءً این تشبیه در دنیا است نه در قیامت. نزدیک‌ترین اجرام به زمین ماه است یعنی اندکی بیشتر از یک ثانیه نوری فاصله دارد. یک ثانیه نوری برابر با ۳۰۰ هزار کیلومتر می‌باشد اما فاصله ماه به زمین ۳۸۵ هزار کیلومتر است.

دانشمندان معتقدند که ماه جدا شده از زمین است لکن آنجا زندگی کرده نمی‌شود چراکه جوی آن نازک است، نه از شهاب سنگ‌ها محافظت کرده می‌تواند و نه هوای معتدل دارد. وقتیکه آفتاب بتا بد درجه حرارت به ۱۷۰ درجه سانتی‌گرید بالا می‌رود، اما آنطرف که شب است درجه حرارت هوا به منفی ۱۲۰ درجه سانتی‌گرید پائین می‌آید. همچنان جاذبه آن ضعیف است، به هر شکل آنجا زندگی کرده نمی‌شود.

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۴۵

فاصله زمین به خورشید ۸ ثانیه نوری است به حساب ما
۱۵۰ میلیون کیلومتر می‌شود.

گردش خورشید همراه با دیگر اجرام آسمانی

خورشید یکی از ستاره های کهکشان راه شیری است که تمام سیارات خود را دور خود می‌چرخاند، علاوه بر آن خورشید با تمام سیاراتش دور مرکز خود که کهکشان است، می‌چرخد. خورشید هم دو نوع چرخش دارد، چرخش دور خود، چرخش دور کهکشان، خورشید به دور محور خودش می‌چرخد، سرعت چرخش آن متفاوت است، در استوا سریع تر می‌چرخد و هر دور آن حدود ۲۵ روز زمینی طول می‌کشد، در قطب ها کند تر است و هر دور آن حدود ۳۵ روز زمان می‌برد، سرعت حرکت خورشید به همراه کل

۴۶ / صلاح الدین سادات

منظومه به دور کهکشان ۸۲۸ کیلو متر بر ساعت است ۲۳۰ میلیون سال طول میکشد تا خورشید یک دور کامل به دور مرکز کهکشان راه شیری بچرخد ، این کهکشان مثل آفتاب میلیاردها ستاره دیگر دارد ،

چرخش کائنات را قرآن کریم هم تأیید می‌کند، مثلاً در سوره یاسین، آیت (۴۰-۳۸) چنین می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا». ترجمه: می‌گردد آفتاب به قرارگاه خود یا می‌گردد آفتاب همراه قرارگاه خود در آخر آیت می‌فرماید: «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ». ترجمه: همه و همه شنا می‌کنند در مدار خود تسبیح گویان ، کل همین معنا را دارد که همه، چه ستاره باشد و چه سیاره شناورند. هم‌چنان در سوره لقمان، آیت (۲۹) چنین می‌فرماید: «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى». ترجمه: مسخر کردم آفتاب و ماه را تماماً می‌گردند به طرفیکه برای شان معین کرده شده و هم‌چنان در سوره انبیاء آیت (۳۳) چنین می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ». ترجمه: خداوند ذاتیست که پیدا کرده شب و روز را و آفتاب و مهتاب را تماماً همه و همه می‌گردند در مدار خود تسبیح گویان. از نگاه قرآن هیچ چیز در فضا

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۷

ساکت نیست همه در گردش اند و از نگاه علم هم چیزی را که قرآن کریم بیان می‌کند، تأیید کرده است.

فرق میان ستاره و سیاره

ستاره‌ها از خود نور دارند اما سیاره‌ها از خود نور ندارد. مثلاً شما یک ثانیة نوری از زمین فاصله داشته باشید، دیگر زمین را دیده نمی‌توانید مگر اینکه نور خورشید به زمین بتابد، در آنصورت می‌توانید زمین را ببینید، مثل ماه هرگاه نور خورشید به ماه رسید، ماه را دیده می‌توانید در غیر آن دیده نمیتوانیم اما ستاره‌ها از خود نور دارند. ساءپرستاره‌ها هم مانند آفتاب می‌باشند، بعضی‌های شان از آفتاب بزرگتر و بعضی‌های شان از آفتاب کوچکتر و بعضی‌های شان برابر

۴۸ / صلاح الدین سادات

با آفتاب می باشد. از اینکه آنها از زمین بسیار دور می باشند، کوچک معلوم میشوند. اکثر ستاره‌ها به ملیون‌ها مراتب از زمین بزرگتر اند.

حقانیت قرآن

در این شکی نیست که قرآن کلامِ پروردگار است، معجزه الهی است، معجزه بودنش در این است که در وقت نزول آیات، از نگاه عقل غیر قابل باور است اما با گذشت زمان توسط علم یکا یک آن ثابت می‌شود، چیزی را که قرآن بیان داشته است، حقیقت همان است. بعضی‌های شان به فاصله کم و بعضی هم با گذشت صدها سال بعد آشکار می‌شود، بطور مثال چند آیات که در وقت نزول درک آن مشکل و از نگاه عقل غیر قابل باور بود بیا ن میکنم مثلاً در سوره رعد، آیت (۲)، هم‌چنان در سوره لقمان، آیت (۱۰)

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۹

چنین می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا». ترجمه: الله ﷻ ذاتیست که بلند کرده آسمان‌ها را بدون ستون که ببینید آنرا، یعنی تمامی بلندی‌ها از قبیل کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها همه و همه در فضا موجود اند با یک قوه نامرئی استوار است، (ستون) قائم گیرنده را گویند، یعنی قائم گیرنده کائنات غیر مرئی است. در وقت نزول این آیت کسی باور نمی‌کرد که چنین قوه‌ای در فضا موجود باشد که همه کائنات توسط آن استوار باشد. اما حالا با پیشرفت علم دانشمندان فضایی بعد از تحقیقات زیاد در یافتند که تمام اجرام چشم دید عالم، میلیونها کهکشان و تریلیون‌ها ستاره و سیاره فقط ۵٪ کل اجرام جهان را تشکیل میدهد و ۹۵٪ اجرام دیگر غیر مرئی است که به چشم دیده نمیشوند. چیزی را که خداوند متعال در قرآن بیان داشته است. هم‌چنین در سوره قیامت، آیت (۳-۴) چنین می‌فرماید: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَهُ عِظَامَهُ» (۳) بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (۴). ترجمه: آیا گمان می‌کند انسان که جمع نخواهیم کرد استخوان‌های او را، بلی! قادریم بر اینکه بسازیم سر انگشتان او را، چرا خداوند متعال از تمام اعضای بدن انسان سر انگشتان را انتخاب نمود؟ زبده

۵۰ / صلاح الدین سادات

ترین مفسرین قرآن را ببینید هیچ کدام جواب درست در این باره نگفته اند که به حقیقت قرین باشد، اما حالا با پیشرفت علم، محققین دریافتند که در سر انگشتان انسان چنان نشان موجود است که منحصر به همان شخص می باشد نه به انسان‌های گذشته سرمیخورد و نه هم به انسان‌های آینده. بناءً خداوند متعال فرمود که از سر انگشتان تان شناسایی نموده عین چیزی که بودید، دوباره می باشید. هم‌چنان در چرخش کائنات مطالعه نمودید که هیچ چیز در کائنات ساکت نیست، همه و همه در گردش اند، چه چرخش خودی باشد و یا هم همراه با مرکز خود. در آن زمان که این آیات نازل شده بود «كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»: هیچ کس باور نداشت که جهان با این خصوصیات باشد، تمام دانشمندان نجومی که قبلاً در گذشته اند نظریه آن‌ها را مطالعه کنید، می‌بینید هیچ کدام به یک عقیده نبودند، یکی چیزی میگفت با گذشت زمان یکی دیگر پیدا میشد گفته او را رد میکرد و چیزی دیگری میگفت. بارها و بارها چنین اتفاق افتاده است. قبلاً عقیده دانشمندان نه چندان دور به این بود که زمین مرکز جهان است آفتاب دور زمین میچرخد. بعداً یکی دیگر پیدا شد

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۵۱

گفت که آنطور نیست بلکه آفتاب مرکز جهان است و زمین دور آن میچرخد. حالا توسط علم ثابت شد که نه زمین مرکز جهان بوده و نه هم آفتاب، تمام گزارشات آن‌ها غلط بوده و هیچ مرکزی برای جهان نبوده است، هر کهکشان مرکزیت ستاره‌ها و سیارات خود بوده و آن‌ها را دور خود می‌چرخانیده است؛ چیزی که حقیقت و ثابت است.

همین قول پروردگار است که می‌فرماید: تماماً شناورند در مدار خود تسبیح گویان. همچنین خداوند متعال درباره‌ی ای ساخت هفت طبقه آسمان چنین می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ»، ترجمه بعداز آن به آفرینش آسمان پرداخت در حالیکه آسمان دود بود، بلی واقعا دود بود، دود های آتش فشانی که صد ها هزار سال ازدلی زمین بخاطر ساخت کوه ها بالا میشد درزمان نزول این آیت کسی باور نداشت که هفت طبقه ای بالای زمین ازدود ساخته شده باشد، خداوند متعال همین دود غلیظ را تبدیل به گاز ها نموده هفت طبقه محافظتی زمین ساخت، درحالیکه می گفتند یک آسمان از یاقوت و یکی هم از لاجورد تا آسمان هفتم، اما حالا تحقیقات علمی ثابت کرده است که آسمان از انواع گازها می باشد، عین چیزی که قرآن کریم بیان

۵۲ / صلاح الدین سادات

میدارد. هم‌چنان خداوند متعال در سوره الرحمن آیت (۳۳) می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا». ترجمه: ای گروه جن و انس اگر می‌توانید به آسمان‌ها بالا شوید پس بالا شوید اگر داخل زمین شوید پس داخل شوید، این کار را کرده نمی‌توانید. در آخر آیت می‌فرماید: «إِلَّا بِسُلْطَانٍ» مگر با یک اسباب محکم، یعنی خداوند متعال برای انس و جن گفت که اگر قصد بالا شدن به آسمان‌ها را داشته باشید اول اسباب بالا شدن را بسازید بعداً هم به آسمان بالا شوید و هم به قعر زمین فروروید. در وقت نزول این آیت کسی باور میکرد که روز انسان‌ها اسباب ساخته به آسمان‌ها بالا شوند؟ اما حالا می‌بینیم که انسان‌ها چنین اسباب ساخته به فضا می‌روند اما تا هنوز هیچ دولت موفق نشده که اسباب ساخته به قعر زمین برود، چون حرارت هسته زمین آنقدر گرم است که هر آن چیزیکه به آنجا نزدیک شود، ذوب می‌شود. درجه حرارت هسته زمین به ۶ هزار درجه سانتی‌گرید میرسد، چون پروردگار نوید موفقیت آنرا داده است حتماً روز انسان‌ها به قعر زمین هم نفوذ خواهند کرد. هم‌چنان در سوره السباء آیت (۱۲) در باره تخت حضرت سلیمان^(علیه)

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۵۳

السلام)، می‌فرماید: «وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غُدُوَهَا شَهْرًا وَرَوَاحُهَا شَهْرًا». ترجمه: تسخیر کردیم برای سلیمان باد را توسط آن تخت بالا میشد و پرواز میکرد، چای صبح را در فلسطین و نان چاشت را یک ماهه دورتر از جای که چای صبح را خورده بود، می‌خورد. این یک افسانه نیست بلکه داستان واقعی است که یک نوع گوشزد به دیگر انسان‌ها می‌باشد. اگر شما هم باد را تسخیر کنید می‌توانید پرواز کنید چراکه خداوند ﷻ نگفته این معجزه حضرت سلیمان (علیه السلام) بود بلکه گفت که حضرت سلیمان (علیه السلام) باد را تسخیر کرده بود، زیر فرمان حضرت سلیمان (علیه السلام) قراردادش و توسط آن پرواز میکرد. امروز می‌بینیم که انسان‌های دیگر نیز موفق شده اند تا باد را زیر فرمان خود بیاورند و پرواز کنند، اما در زمان نزول این آیت، شاید کسی باور نمیکرد که روزی انسان‌های دیگر هم مثل حضرت سلیمان (علیه السلام) پرواز کنند. اما حالا به چشم سر می‌بینیم که همه روزه هزاران هواپیما نشست و برخاست می‌کنند، همه این نشست و برخاست‌ها توسط باد انجام می‌شود.

پیش‌گویی که قرآن کریم نموده است، در چندسال آینده بوقوع پیوسته بود، جنگ فارس و روم بود که بین فارس و

۵۴ / صلاح الدین سادات

روم جنگی صورت گرفته بود که رومی ها از فارسی ها شکست خورده بودند بعداً به پیامبر خدا ﷺ آیت نازل شد که در چند سال آینده باز بین فارس و روم جنگی صورت می‌گیرد، این بار فارسی ها شکست می‌خورند و رومی ها پیروز میشوند که همین طور هم شد. آیا کسی گفته می‌تواند که در چند سال آینده بین دو ابر قدرت نظامی جنگی صورت می‌گیرد، یک طرف آنرا تعیین کند که پیروز میدان می‌شود؟! این پیشگویی را هیچ کس گفته نمی‌تواند به جز پروردگار عالم که هم از گذشته با خبر است و هم از آینده. تمام آن آیات که در وقت نزول آن از نگاه عقل غیر قابل باور بود، ۸۵٪ آن توسط علمی امروزی حقایق آن آشکار شده است. یکی آن آیات که تا هنوز انسان‌ها به آن دسترسی پیدا نکرده اند، علمییست که توسط آن زمان محو می‌شود و نیاز به زمان نیست مثل نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) به بلقیس. حضرت سلیمان (علیه السلام) به بلقیس نامه می‌فرستد در آن نامه به بلقیس اخطار میدهد که مسلمان شده نزد من حاضر شوید در غیر آن صورت نابود خواهید شد. وقتیکه حضرت سلیمان (علیه السلام) از آمدن بلقیس آگاه می‌شود به حاضرین مجلس می‌گوید، کسی هست که تخت

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۵

بلقیس را نزد من بیاورد و پیش از اینکه بلقیس نزد من بیاید؟ یکی از عفریت ها می گوید که من تخت را میاورم، پیش از اینکه جلسه تمام شود اما کسی دیگری می گوید که من به یک چشم برهم زدن تخت را نزد حاضر میکنم همین طور هم کرد. خداوند ﷻ می فرماید که نزد آن شخص علم بود، این علم نیاز به زمان ندارد، محو زمان است نزد هرکسی که آن علم باشد هرجایی را که بخواهد آنآ همانجا خواهد بود، مثل رفت و آمد ملائیکه ها که از سدره المنتهی به زمین رفت و آمد می کنند آن ها نیاز به زمان ندارند. این علم را خداوند ﷻ در قرآن اشاره کرده است که چنین علمی وجود دارد اما تاهنوز انسان ها موفق نشده اند که به چنین علمی دسترسی پیدا کنند. حتماً روزی انسان ها موفق خواهند شد به این علم هم دسترسی پیدا کنند چراکه خداوند ﷻ هرچیزی را در قرآن ذکر کرده است، افسانه نه، بلکه حقیقت آشکار و واقعی است.

گرچه این علم از نگاه عقل غیر قابل باور است، اما صد در صد واقعی است، تمام آن آیات که در بالا ذکر شد در وقت نزول آن باور کردن آن از نگاه عقل مشکل بود، به همین سبب مشرکین پیامبر خدا ﷺ را دیوانه می گفتند، اما حالا با

۵۶ / صلاح الدین سادات

پیشرفت علم ثابت شد که همه حقیقت و واقعی بوده است، پس این کلام پروردگار را نسبت دادن به کلام بشر کار احمقانه و جاهلانه است.

پیدائیش انسان در زمین

قبلاً گفتیم که پیش از انسان‌ها، میلیون‌ها سال حیواناتِ غیر هوشمند عظیم الجسه در زمین زندگی می‌کردند، البته با موجودیت آن‌ها زندگی کردن برای انسان‌ها در زمین غیرممکن بوده است. بناءً خداوند متعال آن‌ها را توسط سنگ‌های آسمانی کلاً از بین برد تا که برای انسان‌ها یک زندگی بی تشویش مهیا شود. این اختاریه را خداوند متعال برای انسان‌ها هم بعید نمیداند. چنانچه در سورهٔ ملک آیت (۱۷) چنین می‌فرماید، آیا ایمن شده اید از کسیکه در آسمان است از اینکه بفرستد بر شما سنگ ریزه، سپس

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۷

خواهید دانست که چگونه است ترسانیدن من، یعنی خداوند متعال به انسان‌ها چنین گوشزد نمود که آنان حیوانات بسیار قوی و عظیم الجسه بودند، در مقابل سنگ آسمانی تاب نیاوردند و کاملاً از بین رفتند، شما به هیچ صورت تاب آورده نمی‌توانید، یعنی از حد میگذرید، تابع امر پروردگار باشید، حالا دیگر زندگی کردن در زمین برای انسان‌ها صد در صد مهیا است. بناءً پروردگار عالم به ملائیکه مسؤل امر می‌کند که به زمین رفته از گل آن بیاورد، چون مرکز تجمع ملائیکه‌ها در سدره المنتهی میباشد. شاید این گل را به سدره المنتهی برده باشد چون جنت هم در نزدیکی‌های سدره المنتهی قرار دارد. از این گل کالبد حضرت آدم (علیه السلام) ساخته شده است، سپس به آن روح دمیده می‌شود بعد از دمیدن روح به ملائیکه‌ها امر می‌شود که به آدم سجدهٔ تکریمه کنند همه سجده می‌کنند بجز ابلیس، دلیل سجده نکردن آنرا می‌پرسند، ابلیس در جواب می‌گوید که انسان از خاک آفریده شده و من از آتش. بناءً من بر آن برتری دارم، عدم اطاعت او از امر پروردگار سبب نفرین او می‌شود. سپس هر آن چیزیکه برای انسان‌ها بکار آید را پروردگار به حضرت آدم (علیه السلام) می‌آموزاند.

۵۸ / صلاح الدین سادات

اول از ملائیکه‌ها سوال می‌کند، اینها به خاطر چه ساخته شده و برای چه کار می‌آیند؟ ملائیکه‌ها لاجواب میمانند و می‌گویند، پروردگارا ما چیزی را میدانیم که تو به ما آموخته‌ای، بیشتر از آن نمیدانیم. بعد از حضرت آدم (علیه السلام) پرسیده می‌شود، همه آن چیزها را به خاطر چه آفریده و برای چه بکار می‌آید، همه را یکایک شرح میدهد گویا دانش حضرت آدم (علیه السلام) برتری او بر ملائیک می‌شود. سپس حضرت حوا خلق می‌شود، هردو به امر پروردگاره جنت برده میشوند وقتیکه داخل جنت میشوند برایشان گفته می‌شود تمام چیزهای که در جنت است، در اختیار تان میباشد. اما به جز این درخت، درخت برای شان نشان داده می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که خوردن میوه این درخت برای تان ممنوع است حتی نزدیک آن نشوید و برای شان این هم گفته می‌شود که شیطان دشمن آشکار شماست از آن حذر کنید، مبادا که فریب سخنان آنرا بخورید. حضرت آدم و حوا در جنت می‌مانند، پوشاکی‌ها جنتی برتن شان انواع و اقسام میوه‌های جنتی در اختیار شان قرار می‌گیرد، به بسیار خوشی و خرمی می‌زیستند، هیچ نوع غمی و اندوهی برای شان پیش نمی‌آمد. اما

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۹

ابلیس به جنت داخل می‌شود شروع می‌کند به وسواس کردن و آن‌ها را تحریک می‌کند که از میوه‌ی آن درخت بخورند. اما حضرت آدم و حوا به وسواس ابلیس اهمیت نمی‌دهند بالآخره ابلیس به حضرت حوا قسم خورده می‌گوید که من به شما نصیحت خیر دارم، من می‌خواهم شما این‌جا بطور دایمی بمانید چراکه هرکس از این میوه بخورد بطور دایم اینجا میماند، توصیه من به شما اینست که حتماً از این میوه بخورید، در نهایت حضرت حوا قبول می‌کند و نزد حضرت آدم (علیه السلام) می‌رود و حضرت آدم (علیه السلام) را تشویق می‌کند که از آن میوه بخورند. ابتدا حضرت حوا و بعد حضرت آدم (علیه السلام) از میوه درخت ممنوع می‌خورند، به مجردیکه آنرا خوردند پوشاک جنتی شان از تن شان دور شده و بدن شان برهنه می‌شود، این اولین آرزوی شیطان بود که هردو را بی‌ستر ببیند. حضرت آدم و حوا به مجردیکه پوشاک آن‌ها از بدن شان می‌افتد، می‌فهمند که اشتباه بزرگی را مرتکب شدند، علی‌الفور توبه می‌کنند و کلمه که خداوند ﷻ در دل آن‌ها انداخته بود همیشه آنرا می‌خواندند و آن این بود «پروردگارا ما به خود ستم کردیم اگر تو بر ما نه بخشی و ترحم نکنی البته می‌باشیم ما از

۱۶۰ / صلاح الدین سادات

جمله زیان کاران» خداوند ﷻ توبه آن‌ها را قبول می‌کند و برایشان می‌فرماید: من به شما نگفته بودم که شیطان دشمن آشکار شما است، دیگر جای شما اینجا نیست بلکه جای شما در زمین خواهد بود، مدتی آنجا می‌مانید سپس بر حساب دهی حاضر میشوید. بعداً خداوند متعال گفت که پایان شوید بر زمین! همینکه خداوند ﷻ امر کرد که پایان شوید، همان لحظه حضرت آدم و حوا در زمین بودند چراکه در مقابل امر پروردگار هیچ چیزی تعلل کرده نمی‌تواند، هرچیزیکه به امر مستقیم پروردگار صورت گیرد آنی است حتی یک ثانیه هم سپری نمی‌شود مثل پیدائش کائنات با این همه عظمت در صدمین ثانیه شکل گرفته و اما هرچیزیکه توسط ملائیکه‌ها صورت گیرد زمان گیر است، این کلام پروردگار بعضی روایات را رد می‌کند که می‌گویند حضرت آدم و حوا در دو جای افتیدند، بعداً یکدیگر را پیدا کردند، چراکه خداوند متعال هر دو را یکی خطاب نمود، جدا جدا امر نکرده است. وقتیکه حضرت آدم و حوا دیدند که در زمین هستند دیگر آن ناز و نعمت که در جنت برایشان مهیا بود را از دست دادند، اینجا در زمین شاید به مشقت تمام زندگی کرده باشند به هرشکلی که باشد زندگی را

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۱

ادامه دادند و به همان طور روزها و ماه ها سپری میشد و بعد از مدت صاحب فرزند میشوند و در هر حمل فرزندان جفت به دنیا می‌آمد، یک دختر و یک پسر. شریعت آن زمان چنین بود که دختر با پسریکه از یک شکم به دنیا آمده باشد ازدواج جائز نبود و بعد از آنکه پسران و دختران به سن بلوغ میرسند، میان دو پسر یکی هابیل و دیگر قابیل اختلاف پیدا می‌شود، برای اینکه چرا صدقه یکی قبول و از دیگری رد شد و در بعضی روایات اختلاف آنان را بخاطر دختر هم شکم آنان میدانند بر اینکه قابیل میخواست دختر هم شکمی خود را بگیرد اما حضرت آدم (علیه السلام) ممانعت میکرد، بالاخره قابل تصمیم می‌گیرد که هابیل را بکشد و چنین هم کرد، این حادثه اولین خون ناحق هست که در دنیا ریختا نده شد.

سالها سپری می‌شود حضرت آدم (علیه السلام) هم از دنیا به دارالبقاء رحلت می‌کند، بعداً سلسله پیامبران آغاز می‌شود. چند پیامبریکه می‌آیند و سپس وفات می‌کنند، شیطان از موقع استفاده کرده به مردم می‌گوید این پیامبران که وفات کردند همه بندگان خاص خدا بودند باید مجسمه ای آن‌ها به قسم وساطت‌گر میان شما و خداوند در خانه های تان

۶۲ / صلاح الدین سادات

قرارداشته باشد. در همه خانه ها مجسمه ها قرار می گیرد، اول محض بخاطر احترام، سپس با گذشت زمان آن ها را خدا معرفی میکرد و به مردم میگفت که گذشتگان تان، اینها را عبادت میکردند شما هم عبادت کنید، به این گونه تمام مردم بت پرست میشدند. بعد خداوند ﷺ پیامبران را فرستاد و آن ها به مردم می گفتند که اینها چیزی نیستند که لایق عبادت باشند، عبادت خدای واحد را بکنید و ما فرستادگان او ایم. اما آن ها می گفتند که گذشتگان ما همین ها را عبادت میکردند ما هم همین ها را عبادت میکنیم، ما دیگر خدای را نمی شناسیم. اینها به خدایی بت ها آنقدر معتقد شده بودند که هر قدر پیامبران وعظ و نصیحت میکردند هیچ اثری بر آنها نداشت حتی بسیاری از پیامبران را شهید میکردند و بسیاری را تبعید و بعضی مشرکین به سبب دعای بد که در حق آن ها از سوی پیامبران میشد همگی از بین می رفتند، خلاصه خداوند متعال ده ها هزار پیامبر را بخاطر هدایت بندگانش فرستاد، کسانی را که خداوند متعال هدایت کرده بود نیک بخت و خوش طالع بودند با ایمان از دنیا می رفتند و اما کسانی که بدبخت بودند،

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۳

خداوند متعال ایمان را برای شان نصیب نکرده بود به همان شرک و بی ایمانی از دنیا میرفتند. آن زمان به هر قبیله و به هر قوم از میان خودشان پیامبر میفرستاد، ممکن در یک زمان واحد چندین پیامبر در چندین جای دنیا فرستاده شده باشد، تا بعثت پیامبر آخرالزمان. بعد از آن سلسلهٔ پیامبران قطع می‌شود.

بعثت پیامبر آخرالزمان

پیش از بعثت پیامبر اکرم ﷺ تمام جهان در جهل و تاریکی به سر می‌برد مخصوصاً جزیره العرب، از جنگ‌های خانگی گرفته تا زنده بگور کردن دختران. بت پرستی به اوج خود رسیده بود هر قوم خدای خاص خود را داشت. تنها در خانهٔ کعبه سه صد و شصت بت موجود بود. هر قبیله برای خدای خود نذر می‌آورد در این وقت حضرت محمد ﷺ بنام امین مشهور بود و اکثر امانات مردم نزد ایشان قرار داشت. زنی بنام خدیجه که قبلاً دو شوهر کرده بود و هردوی آنها

۶۴ / صلاح الدین سادات

وفات کرده بودند و از آن‌ها به خدیجه مال زیادی به ارث رسیده بود که با آن تجارت میکرد وقتی کاروان تجارت مهیا شد، غالباً به تجارت شام می‌رفت برای سرپرستی کاروان تا هنوز کسی را انتخاب نکرده بود، چون امانت داری محمد ﷺ به گوش او هم رسیده بود. بناءً حضرت خدیجه فکر می‌کند که اگر محمد ﷺ ریاست این کاروان را بر عهده بگیرد بهتر خواهد شد. بناءً شخص را نزد محمد ﷺ می‌فرستد و آن شخص به آنحضرت می‌گوید که من از طرف خدیجه آمده‌ام و جریان را برای شان بازگو می‌کند، محمد ﷺ نه جواب رد میدهد و نه هم جواب مثبت، برای آن شخص می‌گوید که این کار وابسته به کاکایم می‌باشد اگر او قبول کند من هم قبول میکنم، سپس پیامبر خدا ﷺ نزد کاکایش ابوطالب می‌رود و جریان را برای او توضیح میدهد، ابوطالب مخالفت نمی‌کند بلکه راضی می‌شود، بعد از موافقت کاکای شان، پیامبر خدا ﷺ ریاست کاروان خدیجه را بر عهده می‌گیرد و راهی شام می‌شود. در این سفر تجارتی مفاد هنگفتی برای خدیجه عاید می‌شود، علاوه بر آن غلام خدیجه بعضی کارهای خارق العاده که از پیامبر ﷺ مثل سایه ابرها بر بالای آنحضرت ﷺ را دیده بود یکا یکا برای خدیجه بیان می‌کند،

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۵

چون حضرت خدیجه یک زن زیرک و دانشمند بود بعد از شنیدن این سخنان از سوی غلام خود، نزد ورقه بن نوفل که از نزدیکان حضرت خدیجه بود و او که به کتاب‌های تورات و انجیل معلومات داشت، رفت و برایش هرآنچه که غلامش گفته بود را به ورقه بن نوفل بیان می‌کند. ورقه به خدیجه می‌گوید که اگر این سخنان راست باشد این، پیامبر همین قوم خواهد بود، خدیجه از این خبر بسیار متعجب می‌شود و فکرش تغییر می‌کند و می‌اندیشد که به چه ترتیب او را برای همیشه تصاحب کند. اما این سخن را به کسی گفته نمی‌تواند چراکه چندین شخص ثروتمند از ایشان خواستگاری کرده بود، برای همه جواب رد داده بودند، حالا که کسی را انتخاب می‌کند، ثروتمند نیست و چیزی هم ندارد، شاید هم به طعنهٔ مردم مواجه شود. خلاصه این قصه را به زنی که خواهر خوانده‌اش بود در میان می‌گذارد، آن زن این سخن را نه تنها رد نمی‌کند بلکه انجام آنرا برعهده می‌گیرد و از نزد خدیجه رخصت می‌شود، مستقیم نزد محمد ﷺ می‌رود، پیامبر خدا ﷺ در کلبهٔ که متعلق به مادرش بود و در همان جا زندگی میکرد در آن خانه به جز یک دوشک پشمینه هیچ چیز دیگری وجود

۱۶۶ / صلاح الدین سادات

نداشت، آن زن داخل می‌شود و به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که ای محمد ﷺ! تا بکی میخواهی در این اتاق تک و تنها زندگی کنی، زیبایی مرد به همراه زن است، زن ترا از این تنهایی نجات میدهد، مونس و غمخوارت می‌شود. اگر سخن مرا میشنوی زن بگیر، پیامبر خدا ﷺ به آن زن می‌گوید که بلی هرچیزیکه تو گفتی همه راست است اما زن گرفتن مصارف دارد، بدون پول نمی‌شود زن گرفت. آن زن به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید اگر من زنی را پیدا کنم که تمام خرچ و مصارف را بدهد و هیچ نوع زحمتی را بالای تو نیاندازد حاضری چنین زنی را بگیری؟ پیامبر خدا ﷺ می‌گوید: بلی! چنین زنی پیدا شود حتماً میگیرم. وقتیکه پیامبر خدا ﷺ قبول می‌کند بعداً به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که آن زن حضرت خدیجه است. اینجاست که پیامبر خدا ﷺ پشیمان می‌شود که چرا بدون مشوره کاکایش قبول کرده علی‌الفور نزد ابوطالب می‌رود و برایش می‌گوید که خدیجه، کسی را نزد من فرستاده و میخواهد با من ازدواج کند، نظر شما در این باره چیست؟ ابوطالب بی‌درنگ قبول می‌کند، ترتیبات عروسی را می‌دهند، ورقه بن نوفل عقد نکاح را بسته می‌کند و زندگی پیامبر خدا ﷺ با حضرت خدیجه عاشقانه

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۷

بود با وجود تفاوت سنی که پیامبر خدا ﷺ ۲۵ سال و خدیجه ۴۰ ساله و به روایتی هم ۴۵ سال داشت بعد از وفات حضرت خدیجه هم پیامبر خدا ﷺ همیشه از ایشان یاد میکردند، حالا دیگر پیامبر خدا ﷺ از طرف خانه کاملاً خاطر جمع شده بود چراکه حضرت خدیجه تمام اموال خود را در اختیار پیامبر خدا ﷺ گذاشته بود. پیامبر خدا ﷺ را یک چیز بسیار آزار میداد که همان روشی اقوام شان بود، می دید که آن‌ها چیزی را پرستش می کنند که هیچ نوع اختیاری از خود ندارد، همه ساخته دست خودشان است و می اندیشید که اینها چطور خدا شده می توانند درحالیکه از خود دفاع کرده نمی توانند، جهان را چگونه خلق کرده می توانند. پیامبر خدا ﷺ همیشه در خلقت جهان فکر میکردند. بناءً اکثر اوقات خود را به تنهایی سپری میکردند در رمضان ها به غار حراء میرفتند تا که سن شان به چهل سالگی رسید در همین سال در ماه رمضان در غار حراء بودند، کسی به پیامبر خدا ﷺ می گوید که بخوان، پیامبر خدا ﷺ در جواب می گوید که خواندن بلد نیستم، بار دوم پیامبر خدا ﷺ را در بغل می گیرد و می فشارد و باز می گوید بخوان، پیامبر خدا ﷺ می گوید خواندن بلد نیستم، سه بار این سخن تکرار می شود

۱۶۸ / صلاح الدین سادات

و هربار پیامبر خدا ﷺ همان جواب را میدهد که خواندن بلد نیستیم، بار چهارم می‌گوید که بخوان بنام پروردگارت آنکه خالق همه چیز است آفرید انسان را از خون بسته بخوان پروردگار تو بسیار کریم است آنکه علم آموخت انسان را بواسطهٔ قلم و آموخت انسان را آنچه نمیدانست. اینجا حضرت جبرئیل (علیه السلام) بصورت آدمی آمده با شد، اما بعداً برای اینکه در دل پیامبر ﷺ کدام شک و شبه‌ای خطور نکند، خود را از فراز آسمان‌ها بصورت اصلی نمایان می‌کند و به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که من جبرئیل (علیه السلام) ام و تو پیامبر این امت هستی، پیامبر خدا ﷺ حضرت جبرئیل (علیه السلام) را دوبار به صورت اصلی دیده اند یکی همین جا یعنی در غار حراء در اولین وحی و یک بار دیگر هم در سدره المنتهی.

پیامبر خدا ﷺ می‌گوید، وقتی بر هر طرف آسمان که نگاه میکردم، حضرت جبرئیل (علیه السلام) را میدیدم، تمام فراز آسمان را پُر کرده بود. این گفته‌های پیامبر خدا ﷺ نشان دهنده آن است که حضرت جبرئیل (علیه السلام) چقدر بزرگ و با عظمت است در حالیکه یک ثانیه نوری از زمین فاصله داشته باشید دیگر زمین را با این بزرگی دیده نمی‌توانید

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۹

مگر حضرت جبرئیل (علیه السلام) تمام فضا را پُر کرده بود. بناءً پیامبر خدا ﷺ خیلی پریشان می‌شود و علی‌الفور به خانه برمی‌گردد درحالی‌که تمام اندام آنحضرت ﷺ می‌لرزید، به حضرت خدیجه می‌گوید که مرا بیچنان مرا چیزی شده و تمام قضیه را به حضرت خدیجه بازگو می‌کند، حضرت خدیجه به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که ترا چیزی نمی‌شود چراکه تو دست خیرداری همیشه دستت بالای یتیمان و فقیران می‌باشد. بناءً هیچ‌گزندی بر تو نمی‌رسد. این تسلیت حضرت خدیجه باعث می‌شود که پیامبر خدا ﷺ اندکی آرام بگیرد و به بخواب برود. وقتیکه پیامبر خدا ﷺ به خواب می‌رود علی‌الفور حضرت خدیجه نزد ورقه می‌رود و این گزارش را برای ورقه بیان می‌کند، ورقه بعد از شنیدن این موضوع، به حضرت خدیجه مژده میدهد که شوهرت به پیامبری مبعوث شده است.

خداوند متعال اولین وحی خود را برای آنحضرت ﷺ به امر آموختن علم آغاز نمود و این را خاطر نشان نمود که علم از اهمیت خاصی برخوردار است، چنانچه می‌بینید درهرجای که آنجا علم حاکم است به همان اندازه پیش رفت و ترقی وجود دارد در جای که جهل و نادانی حاکم باشد، مردمانش

۷۰ / صلاح الدین سادات

خار و ذلیل اند. علم منحصر به علم دینی نیست تمام علوم را شامل است چه علم دینی باشد و یا هم علم دنیوی، هدف ما تا بعثت پیامبر آخرالزمان بود که ذکر گردید.

علاماتِ قیامت

بعثت پیامبر آخرالزمان اولین نشانِ قُربِ قیامت است و دومین نشانِ قُربِ قیامت در زندگی محمد ﷺ شق القمر است. این هردو نشانهٔ قربِ قیامت هستند که صورت گرفته اند اما بقیه علامات و نشانه‌های قیامت بعد از رحلت پیامبر ﷺ پدید می‌آید، همه علامات صغرا به وقوع پیوسته اند اما علایم کُبرا در شرف بوقوع پیوستن اند. یکی از علایم کُبرا اینست که پیامبر ﷺ می‌فرماید: در آخرالزمان وقتِ میاید که هر آن واقعه که در شرق واقع شود، علی‌الغور آنرا

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۷۱

غربی‌ها می‌بینند، و یا هم هر واقعه‌ای در غرب واقع شود شرقی‌ها می‌بینند. این علامت را حالا توسط اینترنت یا تلویزیون به چشم سر می‌بینیم، و دومین نشان کُبراء قُرب قیامت برآمدنِ مسیح‌الدجال است. دجال به معنی فتنه‌گر هرچیزیکه مبنای آن برخلاف شریعت باشد اذهان مردم را تخریب سازد و سبب ضعف ایمان شود، به دجال شامل است چراکه چندین حدیث به صیغه جمع ذکر شده است یعنی «دجالون» معنی دجال‌ها را میدهد اما یکی از این دجال‌ها بسیار خطرناک و همه‌گیر است و نام آن مسیح‌الدجال می‌باشد. مسیح‌الدجال چندین علائیم دارد، اولین علامت آن یک چشم بودن آن است و دومین نشان آن زنده کردن مرده هاست. بناءً نام آنرا مسیح گذاشته اند و سومین نشان آن بودن همه چیز در ذخیره‌گاه آن است، تمام چیزیکه در جهان باشد می‌توانید در ذخیره‌گاه آن پیدا کنید چه بد باشد و چه نیک حتی در داخل ذخیره‌گاه آن جنت و دوزخ نیز می‌باشد. چهارمین نشان آن این است که هیچ خانه نیست که دجال داخل نشود، پنجمین نشان آن این است که به داخل شدن خانه از هیچ کس اجازه نمی‌گیرد ولو که شاه باشد یا گدا، ناخواسته داخل می‌شود

۷۲ / صلاح الدین سادات

که حتی صاحب خانه ناراض باشد. دیگر علائمش این است که کوه از آب و غذا دارد، منظور از کوه غذا یعنی پول فراوان است.

افراد مسیح الدجال متشکل از زنان و پولداران میباشند ، بعضی علماء اسلام از مسیح الدجال انترنت را گرفته اند، می گویند تمام علائیم ذکر شده به انترنت صدق می کند. مثلاً اولین نشان آن یک چشم بودن ان است که انترنت هم آئینه دید آن، یک صفحه دارد که نشان یک چشم بودن آن است. انترنت را هم تا بدست لمس نکنی زنده نمی شود، سومین نشان آن هم همه چیز بودن در ذخیره گاه آن است که در ذخیره گاه انترنت هم همه چیز دنیا موجود است حتی جنت و دوزخ منظور از جنت و دوزخ چیزهای خوب و خراب می باشد اگر میخواهید چیزی خوب را ببینید می توانید قرآن تلاوت کنید، می توانید تفسیر قرآن را مطالعه کنید، می توانید احادیث پیامبر را بخوانید، خلاصه تمام خوبی های دنیا را دارد اما چیزهای بد به هیچ کس پوشیده نیست که تمام فحاشی دنیا در آن موجود است، علاوه بر آن بسیار شبکه های شیطانی است که بطور مداوم به تخریب عقیده مسلمانها فعالیت می کنند. بناءً خوب آن

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۳

جنت است و بد آن دوزخ می باشد. چهارمین نشان آن این بود که هیچ خانه‌ای نیست که دجال داخل نشود، حالا کدام خانه‌ای است که بدون انترنت باشد، مگر اینکه آن خانه نان خوردن نداشته باشد و مجبور باشد. پنجمین نشان آن داخل شدن به خانه ها بدون اجازه است، حالا به داخل شدن نه اجازه گرفته و نه هم بزور داخل شده است، بلکه خودمان خریده به خانه آورده ایم. دیگر علائمش کوه از آب و غذا است که منظور پول فراوان می باشد حالا شبکه های اینترنتی به کسان تعلق دارد که پول دارترین مردمان جهان می باشند؟ و دیگر علائمش این است که افراد آن متشکل از زنان و مردمان پولدار میباشند. در این شکی نیست که تمام فحاشی توسط زنان و افراد پولدار صورت می گیرد و هم بدون پول نمی شود که عضو آن باشید. بناءً به عقیده این علماء دجال آمده است، اگر این را صحت بگیریم منتظر آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) باشیم چراکه گُشنده دجال، حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد. وقتیکه حضرت عیسی (علیه السلام) بیاید، انترنت خود بخود قطع می شود. همه چیز ماشینی دنیا خاموش می شود. پیامبر ﷺ از فتنه مسیح الدجال به خداوند ﷻ پناه برده است. اگر این دجال

۷۴ / صلاح الدین سادات

نباشد، کمتر از دجال هم نیست چراکه همه را مشغول خود ساخته چه صغیر باشد یا کبیر، چه عالم باشد و چه جاهل، چه زن باشد و چه مرد همه وابسته‌ی آن شده اند.

بعثت حضرت عیسی (علیه السلام) تا نزول آن بر زمین

یکی از علانیم گُبرا قیامت، نزول حضرت عیسی (علیه السلام) به زمین است. حضرت عیسی (علیه السلام) ۲۰۲۵ سال قبل از یک دختر باکره به اسم مریم در بیت اللحن زیر درخت خرما، بدون پدر به دنیا آمده است، چون حضرت جبرئیل (علیه السلام) مریم را زیر آن درخت راه نمایی کرده و برایش گفته بود زیر این درخت می‌مانی و هرگاه گرسنه شدی، آنرا تکان بده، از آن خرما می‌ریزد، از آن بخور و از زیر درخت چشمه جاری می‌شود از آب آن بنوش چون وقت زایمان فرا رسید.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۵

حضرت مریم با خود میگفت کاش سالها پیش می مردم که از اذهان مردم فراموش میشدم تا کسی مرا یاد نمی کرد. با وجودیکه میدانست همه کار از طرف پرودگار است، اما طبیعتاً در دل حضرت مریم سخنانی خطور میکرد که فردا نزد مردم این کودک را ببرم به آنها چه بگویم. خلاصه بعد از زایمان حضرت جبرئیل (علیه السلام) نزد حضرت مریم می آید و برایش می گوید که چند روز بعد به بیت المقدس میروی و در همان جای که حضرت زکریا (علیه السلام) برایت عبادت گاه ساخته بود، به آنجا میروی، وقتیکه به بیت المقدس رسیدی مردم از تو سوال بکنند که این طفل را از کجا آوردی؟ جواب نمی گویی و اشاره میکنی که من روزه دارم و با کسی صحبت نمیکنم و به طرف کودک اشاره میکنی که از همین کودک سوال کنید، به همان روز یکه حضرت جبرئیل (علیه السلام) تعیین کرده بود به طرف بیت المقدس حرکت می کند وقتیکه به بیت المقدس میرسد همه مردم اطرافش را میگیرند، مخصوصاً علمای یهود که در بیت المقدس بودند هرکس هرچیزی میگفتند، چند نفر از علماء یهود به نمایندگی از دیگران از حضرت مریم می پرسد، ای خواهر هارون! پدرت آدمی بدی نبود، مادرت هم زنی خدا ترس و

۷۶ / صلاح الدین سادات

عابده بود، چطور شد که تو مرتکب چنین گناه بزرگی شدی و این طفل نامشروع را از کجا آوردی؟ حضرت مریم به سوی طفل اشاره میکرد که از این طفل سوال کنید و به اشاره میگفت که من روزه دارم. همه نمایندگان فریاد کشیدند، بجای اینکه عذر و معذرت خود را پیش کنی به ما تمسخر هم میکنی، کدام طفل در گهواره سخن گفته که این بگوید؟ در این وقت است که طفل به صدای بلند میگوید: «من بنده خدایم، فرستاده اویم، داده می شود به من کتاب آسمانی که انجیل است، مامور شده ام که نماز بخوانم و روزه بگیرم و زکات بدهم و به مادرم نیکی کنم چون همگی این حالت را می بینند همه می دانند که به جز از معجزه پیامبری چیزی دیگری نیست، بعد از آن هیچکس لب به طعن نگشودند. حضرت مریم همراه با فرزندش در همان عبادت گاه که حضرت زکریا برایش ساخته بود به عبادت خدا ﷻ مشغول می شود، روزها و سال ها سپری می شود، زمانیکه حضرت عیسی ^(علیه السلام) به سن بلوغ میرسد از طرف خداوند ﷻ رسماً به پیامبری مبعوث می شود و برای مردم شروع میکند به تبلیغ کردن احکام الهی، به شریعت جدید، حضرت عیسی ^(علیه السلام) چند نفر مخلص

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۷

بنام حواریون داشت که مجموعاً ۱۲ نفر بودند، در همه جا حضرت عیسی (علیه السلام) را کمک میکردند. تبلیغ حضرت عیسی (علیه السلام) گاه علنی و گاه بطور مخفی ادامه داشت، بسیار مردم با این دین جدید می پیوستند، حضرت عیسی (علیه السلام) مشهورترین پیامبران بعد از پیامبر اسلام میباشد با معجزه‌های بسیار مشهود مثل زنده کردن مرده‌ها، شفا دادن مریضان، این کار حضرت عیسی (علیه السلام) به یهودیان سخت تمام میشود. یهودیان فکر میکردند که بدین ترتیب، حضرت عیسی (علیه السلام) پیش برود، دین ما از بین خواهد رفت. بناءً بر علیه حضرت عیسی (علیه السلام) توطئه چینی می کنند، نزد امپراطور وقت میروند و می گویند که کسی پیدا شده دعوای پادشاهی می کند و بر علیه امپراطور، مردم را تحریک می کند. پادشاه هم حکم بر صلیب کشیدن حضرت عیسی (علیه السلام) را صادر می کند، مگر افراد امپراطور و یهودیان نمیدانستند که حضرت عیسی (علیه السلام) در کجا است، چون قبلاً به حضرت عیسی (علیه السلام) خبر داده بودند که سربازان در پی دستگیری آنها است. بناءً حضرت عیسی (علیه السلام) در پناه گاه به سر می برد. مخفی گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را به جز حواریون کسی دیگر نمیدانست و

۷۸ / صلاح الدین سادات

یهودیان هم برای کسی که مخفی گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را نشان دهد، پول هنگفتی وعده داده بود، اینجاست که یکی از حواریون دست به خیانت زده و حاضر می شود که در مقابل پول مخفی گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را به یهودیان نشان دهد. این شخص همراه با یهودیان و سربازان میروند به دستگیری حضرت عیسی (علیه السلام) هنگامیکه داخل مخفی گاه میشوند، حضرت جبرئیل (علیه السلام)، حضرت عیسی (علیه السلام) را از آنجا با خود می برد و خداوند متعال چهره همان مخبر را مشابه به چهره حضرت عیسی (علیه السلام) میگرداند. سربازان وی را به عوض حضرت عیسی (علیه السلام) دستگیر می کنند، آن شخص هر قدر که فریاد میزند و می گوید که من رفیق شما هستم، عیسی نیستم اما آن ها می گفتند چرا داد می زنی، اینقدر مردم را زنده می کردی اما خود را زنده کرده نمی توانی، خلاصه هر چه داد میزد کسی صدایش را گوش نمی کرد تا اینکه به صلیب کشیده شد، بعد از به صلیب کشیده شدن وی، میان همان افراد اختلاف پیدا شد، اگر این شخص عیسی (علیه السلام) باشد پس رفیق مان چه شد؟ و اگر این شخص رفیق مان باشد پس حضرت عیسی (علیه السلام) کجا شد. بناءً به شک و تردید باقی ماندند.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۷۹

حضرت عیسیٰ (علیه السلام) زنده است و روزی به زمین خواهد آمد، آمدن حضرت عیسیٰ (علیه السلام) وقتی است که اختلاف شدید مذهبی میان مسلمانان شدت می‌گیرد، مسلمانان هر مذهب فقط خود را مسلمان و غیر مذهب خود را کافر میدانند برای اینکه از مذهب آن نیست، کشته میشوند. علماء آن زمان بدترین مردمان روی زمین می‌باشند نه حلال را حلال و نه هم حرام را حرام می‌دانند، عمل کرد مسلمانان به اندازه‌ی خشن می‌شود که در هر جای از دنیا مسلمانان مورد توهین و تحقیر قرار می‌گیرند. پیامبر اکرم ﷺ مهربانی می‌کند با وجود کثرت نفوس تان آنقدر خار و ذیل میشوید که به اندازه‌ی خس و خاشاک ارزش نمی‌داشته باشید. وقتی که علت را پرسیدند، گفتند از بی‌ایمانی تان. در چنین وقت است که حضرت عیسیٰ به زمین فرود می‌آید فرود آمدن حضرت عیسیٰ را تمام جهانیان می‌دانند هیچ کس شک نمی‌کند همه متیقن می‌شود بخاطریکه حضرت عیسیٰ (علیه السلام) توسط تکنالوژی پیشرفته به دنیا می‌آید که تمام تکنالوژی وقت از کار می‌افتد، همه چیز غیرفعال میشوند، قسمیکه قبلاً گفته شد که کشنده‌ی دجال، حضرت عیسیٰ (علیه السلام) است.

۸۰ / صلاح الدین سادات

بعضی از علماء انترنت را مسیح‌الدجال می‌دانستند، با ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) انترنت هم خاموش می‌شود.. همه تکنالوژی وقت به انترنت وصل است و قتیکه انترنت خاموش شد همه چیز خاموش می‌شود، بعد از اینکه حضرت عیسی (علیه السلام) بر زمین فرود آمد از خود شریعت جدید نمی‌آورد بلکه به شریعت حضرت محمد ﷺ عمل می‌کند، ظهور حضرت عیسی هم‌زمان با ظهور امام مهدی می‌باشد. ظهور امام مهدی را هم اهل تسنن و هم اهل تشیع تأیید می‌کند، مگر در قرآن کریم ذکر نشده منتها وی نیز از خود کدام قانون منحصر به فرد ندارد، او یاور حضرت عیسی (علیه السلام) می‌باشد.

پیش از ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) چند واقعه در جهان رخ میدهد، یکی دجال است، اگر گفته‌های بعضی علماء که گویا انترنت مسیح‌الدجال است، صحیح باشد؟ پس آنهم ظاهر شده است. دوم دابت الارض است، دابت الارض در قرآن کریم نیز ثابت است اما در باره جزئیات آن زیاد بحث نشده است، غالباً آنهم ساخته دست بشر باشد مثل هوش مصنوعی، چراکه خداوند ﷻ آنرا جنبنده در روی زمین گفته است، صاحب روح ذکر نکرده است. چرا که هوش مصنوعی

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۱

هم مثل انسان ها تمام کار را می کند. با این حال اگر کشورها به رقابت یک دیگر به ساختن آن بپردازند و در تمام مسایل آن را دخیل سازند، آهسته آهسته تمام اختیارات را به آنها واگذار کنند در آن وقت است که تمام بشریت به خطر جدی مواجه خواهد شد، چراکه آنها به مراتب هوشمندتر از انسان ها می باشد. این دو علایم یعنی دجال و دابت الارض پیش از ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) واقع می شود.

واقعه سوم برآمدن یاجوج و ماجوج است که در اوایل سال های که حضرت عیسی (علیه السلام) به زمین فرود می آید، ظهور می کند. او خطرناک ترین چیزی است که انسان ها به آن روبرو میشوند، تعداد شان نامحدود و بی اندازه است، آنها تا روزیکه خداوند عز وجل بخواهد در سدسکندر محبوس اند، وقتیکه اراده خداوند عز وجل شود که آنها از حبس رها شوند همان وقت است که سد باز مشود. آنها بیرون میشوند و هرآن چیزیکه از پیش روی شان برآید را نابود می کنند به هیچ کس وبه هیچ چیزی رحم نمی کنند، تمام دنیا را می گردند، بعداً حضرت عیسی (علیه السلام) را تعقیب می کنند. آنده از مردم که به همراه حضرت عیسی (علیه السلام) هستند به طرف

۸۲ / صلاح الدین سادات

بیت المقدس می‌روند، یاجوج و ماجوج هم به تعقیب آن‌ها به بیت المقدس می‌روند. یاجوج و ماجوج به مکه و مدینه داخل شده نمی‌توانند. بعداً حضرت عیسی (علیه السلام) به پروردگار دعا می‌کند که از شر یاجوج و ماجوج رهایی پیدا کند و خداوند متعال دعای حضرت عیسی (علیه السلام) را اجابت می‌کند همه آن‌ها یک شبه بنا به مرض همه‌گیر مثل (وبا) از بین می‌روند و تعفن اجساد آن‌ها همه‌جا را فرا می‌گیرد، حتی گشت و گذار ناممکن می‌شود، بازهم به دعای حضرت عیسی (علیه السلام) پرنده‌های عظیم الجسه پیدا میشوند و تمام اجساد آن‌ها را دور از انظار مردم می‌اندازند و بعد از نابودی آن‌ها همه از مصیبت خلاص میشوند، همه جا مملو از خوشی و خوشحالی می‌شود کسی به کسی ظلم نمی‌کند هیچ کس به دارای کسی تعدی نمی‌کند چون همه سیر هستند بخاطریکه نفوس جهان به حداقل میرسد، شخص زکات گیر به کلی یافت نمی‌شود، همه باقی مانده انسان‌های روی زمین به حضرت عیسی (علیه السلام) بیعت می‌کنند، حضرت عیسی (علیه السلام) چهل سال زندگی نموده و بعد از چهل سال وفات می‌کند. چون قبرشان از همین حالا در پهلوی مرقد حضرت محمد ﷺ در مدینه منوره نگهداری

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۳

شده است و در همان قبر دفن میشوند. بعد از درگذشت حضرت عیسی (علیه السلام) عقیده مردم رو به خرابی می‌رود هر روزیکه سپری می‌شود بد و بدتر می‌شود، به گذشت اندک زمان فحشاء به اوج خود می‌رسد، زنا بطور علنی در کنار جاده‌ها صورت می‌گیرد، هیچ کس ممانعت نمی‌کند با ایمان ترین شخص آن زمان کسی است که زناکار را در کنار جاده عمومی می‌بیند و برایش می‌گوید اگر این کار را دورتر از اینجا بکنی، آنجا خلوت تر است، گویا این شخص با ایمان ترین شخص همان زمان می‌باشد. آهسته آهسته نه نمازخوانی باقی می‌ماند و نه هم اداء کننده ارکان دیگر. بی‌خدایی به حدی می‌رسد که حتی در تمام جهان یک بار نام الله ﷻ گرفته نمی‌شود. باقی میماند خانه کعبه به احترام خانه کعبه قیامت برپا نمیشود.

در همان زمان یمنی‌ها بالای عربستان سعودی حمله می‌کنند، عربستان را می‌گیرند، بعد از تسخیر عربستان، خانه کعبه را خراب می‌کنند، پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید، شخصی که خانه کعبه را ویران می‌کند، همین حالا می‌بینم، کسی است که سیاه پوست است ساقهای باریک باریک دارد.

۸۴ / صلاح الدین سادات

آخرین نشان قیامت طلوع آفتاب از مغرب است بعد از این واقعه، دروازه توبه بسته می‌شود، حالا دیگر هر لحظه امکان دارد قیامت برپا شود. واقعه قیامت توسط صور اسرافیل آغاز می‌شود.

صورِ اول اسرافیل

با وجود این همه علائیم مردم به حالت نورمال زندگی می‌کنند، چرا که در وقت وقوع قیامت بعضی‌ها در خواب و بعضی‌ها در بازی کردن و بعضی‌ها در فعالیت روزمره شان مشغول اند، چنانچه در سوره یاسین آیت (۴۹) چنین می‌فرماید: «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ». ترجمه: انتظار نمی‌برند مگر یک آواز سخت را که بیگیرد ایشان را در حالیکه ایشان در معاملات شان خصومت دارند، این اولین صور اسرافیل است، بعداً در آیت (۵۰) همان سوره می‌فرماید: پس نمی‌توانید هیچ توصیه و

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۵

نه طرف خانه رفته می‌توانید. بعد از این آواز هیچ کس نمی‌تواند از جای خود تکان بخورد نه طرف خانه رفته می‌تواند و نه هم در فکر فامیلش است، بلکه وحشت تمام جا را فرا می‌گیرد، همه در غم خود و در عین حال همه طرف بی‌هوشی می‌روند بخاطریکه صدا هر لحظه خشن و خشن تر می‌شود، صدا به حدی می‌رسد که هر آن کسی که در زمین باشد و یا هم در آسمان‌ها همه بی‌هوش می‌شوند مگر کسی را که خداوند ﷻ بخواهد آن مستثنی می‌باشد. چنانچه خداوند متعال در سوره نمل آیت (۸۷) چنین می‌فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فُفْزَعٌ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَمِنَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ». ترجمه: روزیکه دمیده شود در صور پس بی‌هوش شود کسیکه در آسمان‌ها است و کسی که در زمین است مگر کسی را که خدا ﷻ بخواهد.

در آغاز صدا نه تنها باشندگان زمین را بلکه خود زمین هم که وقتی صدا را بشنود چنان تکان می‌خورد که همه باشندگان آن به حیرت می‌روند، این لرزه به قسم زمین لرزه امروزی نیست چراکه زمین لرزه امروزی تنها یک قسمتی از زمین را می‌لرزاند و قسمتی دیگر آن آرام است، چون این لرزه به اثر تصادم آتش داخل زمین به وجود می‌آید، اما آن

۸۶ / صلاح الدین سادات

لرزه بخاطر شنیدن صدای صور اسرافیل به وجود می آید. بناءً تمام بدنه زمین می لرزد، هم چنان آسمان ها که تا حال زمین را از تمام بلاهای آسمانی محافظت می کرد، خود تکه تکه می شود. چنانچه خداوند متعال در سوره الطور آیت (۹) چنین می فرماید: روزیکه بلرزد آسمان به لرزه آمده. خداوند ﷻ این واقعه را زلزله روز قیامت نامیده است، این صدا مخصوص به زمین نیست بلکه تمام کهکشان راه شیری را فرا می گیرد، در هر جای از این کهکشان باشید، فکر می کنید که صدا از همین نزدیکی بلند می شود. چنانچه خداوند ﷻ در سوره ق آیت (۴۱) می فرماید: بشنو روزیکه آواز دهد آواز دهنده از مکان قریب. این واقعه قیامت تنها در زمین است یا در کل کهکشان راه شیری و یا در کل عالم است؟! از قرار که خداوند ﷻ در سوره نمل آیت (۸۷) تذکر داده است که هر آن چیزیکه در آسمان ها است و هر چیزیکه در زمین باشد از کار می افتد، اگر منظور از آسمان ها همین هفت طبقه آسمان که دور زمین، دور منظومه شمسی و دور کهکشان ساخته شده است، باشد، در این صورت واقعه قیامت منحصر به همین کهکشان می باشد چراکه خداوند متعال فرمود: هر آن چیزی که در

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۷

زمین است و هرآن چیزیکه در آسمانها است، آسمان هفتم هم تمام کهکشان راه شیری را تحت پوشش خود دارد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره ملک می فرماید: به تحقیق زینت دادیم آسمان دنیا را به ستارهها، دنیا همان کل کهکشان را گویند. (والله اعلم) اگر واقعه قیامت منحصر به کهکشان راه شیری باشد این بدان معنی نیست که دیگر کهکشانها همیشه باقی خواهند ماند، بلکه آنها هم روز فنا می شوند. اگر واقعه قیامت در تمام کائنات می بود خداوند ﷻ آنها را یک واقعه عالمی ذکر میکرد، اینجا منحصر به آسمانها ذکر کرده، چراکه خداوند متعال همه کائنات را به نام عالم یاد کرده، چنانچه در سوره جاثیه آیت (۳۶) چنین می فرماید: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ».

ترجمه: پس مرالله راست حمدیکه پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عالمها است، چراکه خداوند متعال آسمانها را جدا ذکر نمود و عالمها را جدا، اگر عالم داخل آسمانها می بود نیاز به تکرار عالم نبود، معلوم است که عالمهای بیرون آسمان، داخل آسمان نمی باشند.

همچنان در سوره الاحقاف آیت (۳) می فرماید: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى».

۸۸ / صلاح الدین سادات

ترجمه: نیافریدیم آسمان‌ها و زمین را و آنچه در مابین آن‌ها است مگر به حکمت، تا یک وقت معین. اینجا هم وقت معین را به آسمان‌ها و آن چیزیکه داخل آسمان‌ها است، عبارت از ستاره‌ها و سیاره‌ها منحصر کرد، کل عالم را ذکر نکرد. بناءً غالباً همین است که قیامت در همین کهکشان که ما زندگی میکنیم برپا شود. صدای صور اسرافیل آنقدر مهیب است که هیچ چیز تاب مقاومت آنرا ندارد. بناءً تمام ستاره‌ها و سیاره‌ها فعالیت خود را از دست میدهند. وقتیکه سیاره‌ها فعالیت خود را از دست دادند، خورشید تمام سیارات خود را به خود جذب کرده و در بدنه خود خود می‌آورد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره القیامت، آیت (۹) چنین می‌فرماید: «وَجَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ». ترجمه: جمع می‌شود آفتاب و ماه، ماه عبارت از سیاره‌ها میباشد، همه یکجا جمع میشوند به استثنای زمین اما زمین بر حالت خود باقی می‌ماند چون زمین در دست قدرت پروردگار از تمام بلاها محفوظ است. چنانچه در سوره زمر آیت (۶۷) چنین می‌فرماید: «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». ترجمه: زمین همه در مشت او است روز قیامت یعنی می‌گوید زمین کاملاً بدون کم و کاست صحت و سالم درکف دست

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۹

پروردگار می‌باشد، چون همه‌ی این تحولات بخاطر زمین است، چون همه محاسبه شدنی‌ها داخل زمین می‌باشند. بناءً زمین را از تمام نابودی که توسط صور اسرافیل به وجود آمده بود، نگه داشت. خورشید تا آن‌دم تمام فعالیت خود را از دست نداده بود اما بعداً خورشید هم آهسته آهسته فعالیت خود را از دست می‌دهد، نور آن از بین می‌رود مثل فنیر سفیدی دارد اما نور ندارد تمام ستاره‌ها همین طور می‌شوند اما زمین چنین نیست بعضی تغییرات به زمین هم می‌آید مثلاً زمین، دور خود می‌چرخد که از آن روز شب به وجود می‌آمد دیگری چرخد. دور خورشید می‌چرخد که سال تولید شود دیگر نمی‌چرخد. تا حالا کروی شکل بود از آن تغییر میکند به مسطح بودن. کوه‌ها هم چنان بالای یک دیگر کوبیده می‌شوند، مثل ریگ نرم و هموار می‌شود. این واقعه را در چندین جای از قرآن ذکر می‌کند، مثلاً در سوره القارعه، آیت (۵) می‌فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ». ترجمه: می‌باشد کوه‌ها مثل پشمی ندافی شده، همچنان در سوره الواقعة، آیت (۵) چنین می‌فرماید: «وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا». ترجمه: پس میشوند غبار پراکنده یعنی بناء به اثر کو بیدن بالای یگد یگر چنان چنگ

۹۰ / صلاح الدین سادات

و غبار در هوا پراکنده میشود مثلیکه دود از آتش بالا می‌شود، هم‌چنان در سوره انشقاق آیت (۳) می‌فرماید: «وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ». ترجمه: و چون زمین هموار کرده شود. خلاصه چنین آیات در قرآن زیاد آمده است.

همه گواه آن است که کوه‌ها مثل ریگ می‌ده شده کاملاً مثل کف دست هموار می‌گردد، هم‌چنین زمین تمام چیز ثقیل خود را که در هسته‌ی خود نگاه کرده بود عبارت از میلیاردها تن آهن و میلیارها تن طلا و نقره و دیگر چیزهای گران که با خود جذب کرده بود همه را بیرون میکند، وقتیکه انسان این همه طلا و دیگر چیزی قیمتی را می‌بیند با خود می‌گوید چه شده اینها چه قدر بی ارزش بوده وای بر ما که بخاطر این خود را هلاک کردیم حالا دیگر پشیمانی سودی ندارد، فاصله بین صور اول و صور دوم در بعضی روایات تا چهل سال را گرفته اند، ممکن تا صدها سال دوام داشته باشد چراکه این شروع پنجاه هزار سال روز قیامت است. چه مدت که خدا بخواهد دوام می‌کند بعداً صور دوم دمیده می‌شود.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹۱

دمیدنِ صورِ دوم

صدای صورِ دوم صدای زنده کردن است. چنانچه خداوند متعال در سوره ق آیت (۴۲) چنین می‌فرماید: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ». ترجمه: روزیکه بشنود آواز محقق را آنروز، روز برآمدن از قبرهاست، هم‌چنان در سوره الزمر آیت (۶۸) چنین می‌فرماید: «ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ». ترجمه: وقتیکه دمیده شود در صور بار دیگر پس ناگهان برآیند از قبرها در حالیکه ایستاده اند به هرطرف می‌نگرند، وقتیکه صور دوم را

۹۲ / صلاح الدین سادات

شنیدند ناگهان از قبرها بالا می‌شوند درحالی‌که ایستاده اند به هرطرف می‌نگرند حیران می‌مانند که چه واقعه‌ی پیش آمده است، ما که مرده بودیم چگونه دو باره زنده شدیم. بناءً مات و مبهوت می‌مانند، هم‌چنان در سوره‌ی ق، آیت (۲۱) چنین می‌فرماید: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ». ترجمه: و بیاید برای هر نفر دو فرشته یکی راننده و دیگر گواهی دهنده هرآئینه بودی در بی‌خبری از این روز پس برداشتیم از تو پرده غفلتِ ترا، پس چشم تو امروز تیز است. به مجردیکه مرده‌ها از قبر برآیند دو فرشته به استقبال‌شان می‌آید اگر آن شخص مرد صالح و یا زن صالحه باشد مثل یک مهمان برخورد می‌شود، برایش می‌گویند که قیامت برپا شده است و ما ترا به طرف محشرگاه می‌بریم، غمگین مشو، اما اگر از منکرین باشد برایش می‌گویند چه شده به هرطرف نگاه می‌کنی پریشان هستی حالا چشمت را خوب باز کن خوب اطرافت را تماشا کن، از این روز کاملاً بی‌خبر بودی حتی باور نمی‌کردی، منکر خدا و رسول بودی به اخبار پیامبران تمسخر می‌کردی، در اولین ملاقات به ملائیکه‌ها با چنین طعنه‌ها روبرو می‌شوند، هرسخن که ملائیکه‌ها به آن شخص

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۳

می‌گویند به حسرت و ندامت آن شخص افزوده می‌شود. به طرف محشرگاه سوق داده می‌شود، هم‌چنان در سوره یاسین آیت (۵۲-۵۱) چنین می‌فرماید: وقتیکه دمیده شود در صور پس ناگهان برآیند ایشان از قبرها از (خوابگاه) شان برای شان گفته می‌شود این است آنچه وعده کرده بود رحمن و راست گفته بودند پیامبران. هم‌چنان در سوره قمر از آیت (۶-۷) چنین می‌فرماید: روزیکه دعوت کند دعوت کننده بسوی چیزی ناگوار در حالیکه ذلیل باشد چشم‌های شان برآیند از قبرها گویا ایشان ملخ‌های پراکنده اند، می‌گویند منکرین این روز است سخت، خلاصه این روز برای منکرین خدا بی نهایت سخت و پریشان کننده خواهد بود، پس اولین و آخرین از قبرها بالا میشوند، همه توسط ملائیکه‌ها بطرف محشرگاه سوق داده می‌شوند. شاید زمین را در سدره المنتهی برده باشند چراکه در قرآن کریم ذکر می‌شود، جنت در نزدیکی سدره المنتهی قرار دارد، هم‌چنان محل تجمع ملائیکه‌ها هم می‌باشد زمین را در جای قرار میدهند که هم جنت نمایان است و هم دوزخ، همه و همه توسط ملائیکه‌ها در محشرگاه جمع می‌شوند، اینک وقت آمدن پروردگار می‌باشد، خداوند متعال با انبوه از ملائیک با

۹۴ / صلاح الدین سادات

چنان عظمت و شأن و شوکت که شائسته شأن خدا است، با چنان هیبت که ترلیون ها ملائیک در اطراف عرش صف کشیده اند، هشت ملائیک که هرکدام شاید از جهان ما بزرگتر باشد، عرش را حمل می کنند روبروی زمین قرار میگیرند در این حالت هیچ کس جرئت حرف زدن با پروردگار را ندارد حتی ملائیک ها و پیامبران مگر اینکه خداوند متعال اجازه سخن گفتن را بدهد. این واقعه را خداوند ﷺ در سوره الفجر از آیت (۲۱-۲۲) چنین می فرماید: وقتیکه پست کرده شود بلندی زمین پست کردنی و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف، این ملائیکه ها غیر آن ملائیکه های هستند که برای هر فرد دو ملائیک راهنما مقرر شده بود.

اولین حکمی پروردگار به تمام آنانیکه در محشرگاه هستند چه مؤمن باشد و چه غیرمؤمن، امر می شود که به پروردگار سجده کنند، آنانیکه نیک بخت و خوش طالع بودند و از دنیا با ایمان رفته بودند به سجده می روند اما آنانیکه به خدا ایمان نداشتند، نمی توانند سجده کنند، دل شان می خواهد که سجده کنند اما نمی توانند خود را خم کنند. بناءً به همان حالت قیام باقی می مانند، بعداً ملائیکه ها تمام آن

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹۵

کسانیکه به حالت قیام باقی مانده بودند را به حقارت تمام از موی سرشان و از پایشان گرفته به یک طرف محشرگاه جمع می‌کنند که آن طرف تاریکی مطلق است. این واقعه را خداوند متعال در سوره القلم آیت (۴۲) چنین می‌فرماید: «يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ». ترجمه: روزیکه نمایان کرده شود از پا چه خوانده شوند به سجده کردن پس نتوانند سجده کردن، خداوند ﷻ ساق‌های بلاکیف خود را نمایان می‌کند بعداً امر می‌کند که به پروردگار تان سجده کنید، کسی که ساقهای نمایان شده را، دیده بتواند سجده هم کرده می‌تواند اما اگر دیده نتواند، سجده هم کرده نمی‌تواند چون پروردگار از دید کفار و منافقین در حجاب است. هم‌چنان در سوره الرحمن آیت (۴۱) چنین می‌فرماید: شناخته می‌شوند گناه‌کاران از قیافه‌شان پس گرفته می‌شوند از موی پیشانی و از پای‌شان، شناخته شدن از قیافه همین است که به حالت قیام می‌مانند پس شناخته می‌شوند که این‌ها مجرمین هستند، آنطرف که مجرمین را برده بودند، آنطرف کاملاً تاریک است اما آن طرف محشر که مؤمنین هستند آنطرف کاملاً روشن می‌باشد، این روشنی نه به روشنی خورشید روشن است و

۹۶ / صلاح الدین سادات

نه هم به روشنی مهتاب بلکه به روشنی نور پروردگار روشن می باشد. چنانچه خداوند متعال در سوره الزمر آیت (۶۹) چنین می فرماید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا». ترجمه: روشن شود زمین به نور پروردگارش، آنانیکه در تاریکی هستند علاوه بر تاریکی چنان در عذاب روحی و جسمی گرفتار هستند که حتی در دوزخ احساس راحتی خواهند کرد، چنانچه خداوند متعال در سوره الفجر آیت (۲۴-۲۶) چنین می فرماید: گویند کافران چیزی پیش فرستادمی در زندگی خویش پس امروز عذاب نکند مانند عذاب او هیچکس و نه مقید سازد مانند مقید ساختن او هیچ کس، آن ها می بینند که هر آن چیزیکه خداوند ﷻ در دنیا توسط پیامبران گفته شده بود همه راست بوده است و دیگر چانس بازگشت هم ندارند، بسیار مأیوس می شوند، اما آنانیکه زیر نور پروردگار هستند با وجودیکه میدان محشر یک میدان وحشت است، لکن به آن ها گل و گلزار، نمایان می شود چراکه آن ها جمال پروردگار شانرا تماشا کرده اند، به محض دیدن جمال پروردگار تمام غم و اندوه از یاد شان فراموش می شود، چنان خوشحالی برای شان میسر می شود که این خوشحالی را حتی در جنت هم پیدا کرده نمی توانند علاوه

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۷

بر این خوشحالی، از طرف پروردگار، ندا می‌آید که ای نفس آرام گیرنده بازگرد بسوی پروردگارت خوشنود شونده، خوشنود کرده شده، سپس شامل شو در بندگان من و در آی به جنت من، این ندا بحدی سرور می‌آفریند که حد و اندازه ندارد، این را خداوند ﷻ در سوره الفجر آیت (۲۷-۳۰) بیان نموده است.

از همین سبب پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: روز قیامت به اندازه ۵۰ هزار سال ما و شما است اما برای مؤمنین به اندازه دو رکعت نماز خواندن است، چون زمان زیادی می‌گذرد، اهل محشر مشوره می‌کنند که باید از مردم حساب گرفته شود، خوب و بد معلوم شود اما هیچ کس جرأت کرده نمی‌تواند که نزد پروردگار برود، همگی جمع میشوند و نزد حضرت آدم (علیه السلام) میروند از ایشان تقاضا می‌کنند که نزد پروردگار رفته وساطت کند که به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود و خوب و بد از هم جدا شود، مگر حضرت آدم (علیه السلام) قبول نمی‌کند و تقاضای آنها را رد می‌کند سپس نزد حضرت نوح (علیه السلام) میروند آنها هم قبول نمی‌کند بعداً نزد حضرت ابراهیم خلیل الله و به همین ترتیب نزد حضرت موسی (علیه السلام)، حضرت عسی (علیه السلام)

۹۸ / صلاح الدین سادات

می‌روند، خلاصه همه رد می‌کنند، بعداً تمام پیامبران به این موافقت می‌کنند که نزد پیامبر اسلام ﷺ بروند و از ایشان تقاضا کنند که نزد پروردگار رفته وساطت نماید و به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود. بنأً پیامبر اکرم ﷺ روبه روی عرش به سجده می‌روند تا وقتیکه خواست پروردگار است به حالت سجده باقی می‌مانند، بعداً از طرف عرش ندا می‌آید که ای محمد ﷺ! سرت را بالا کن، چه می‌خواهی؟ این همان مقام است که خداوند متعال در دنیا به پیامبرش وعده داده بود، یعنی مقام محمود. هم‌چنان در سوره‌
والضحی آیت (۵) به پیامبر خدا ﷺ وعده داده شده بود، بعد از آن عطا خواهد نمود ترا پروردگار سپس، تو راضی شوی، پیامبر خدا ﷺ بعد از نزول این آیت به طرف صحابه‌ها گفتند که تا وقتیکه یک نفر از امت من در دوزخ باشد راضی نمی‌شوم، سپس پیامبر خدا ﷺ سرش را بالا می‌کند عرض خود را پیش می‌کند از پروردگار تقاضا می‌کند که به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود کسیکه جنتی است به جنت برود و کسی که دوزخی است به دوزخ برود. تقاضای پیامبر اکرم ﷺ پذیرفته می‌شود و تسلیم دهی نامه اعمال شروع می‌شود، دوسیه‌های مردم از اول تا آخر ثبت است از

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۹

ابتدای سن بلوغ شروع تا آخرین رمق حیات توسط کرام الکاتبین ثبت و محفوظ است و محفوظ نگهداری شده است، امروز برای صاحبان شان تسلیم داده می‌شود، تسلیم دهی نامه اعمال هم به چند طریق است، شخص که نامه اعمالش توسط ملائیکه تسلیم داده می‌شود، شخص مؤمن با شد، بسیار با احترام تام به دست راست وی داده می‌شود و برایش خوش خبری هم میدهد که کامیاب هستی، آن شخص تا این دم از تمام اقارب خود پنهان میشود، حتی از پدر، مادر، برادر و خواهر و از همه نزدیکان، خود را پنهان می‌نمود تا مبادا کدام چیزی از کار خیرش طلب کنند. بناءً خود را در خفا نگه میداشت، اما حالا چنان مسرور است که خود را گرفته نمی‌تواند. در میان مردم، خویشاوند باشد یا بیگانه صدا میزند، او مردم بیایید نامه اعمال مرا بخوانید، در نامه اعمال من چه نوشته شده است؟! این پیش کردن نامه اعمالش به مردم به معنی این نیست که خودش نداند، این نهایت حد سرور است، گویا که به مردم وانمود می‌کند که بنده پیروز شده است گرچه این پیروزی قطعی نیست که مستقیم به جنت برود بلکه راه بسوی خوبی است. این شخص بسیار پریشان بود و فکر میکرد که مبادا نامه اعمالم

۱۰۰ / صلاح الدین سادات

به دست چپم داده شود، حالا از این تشویش خلاص شد، این هم یک موفقیت بزرگ است، چنانچه خداوند ﷻ در سوره الانشقاق آیت (۹-۷) چنین می‌فرماید: پس کسی را که داده شد نامه اعمالش بدست راستش، به زودی از وی حساب گرفته می‌شود حساب آسان باز می‌گردد بسوی اهل خود شادمان شده. اما آنانیکه نامه اعمال شان بدست چپ و یا از پشت سر داده شود، دیگر آن‌ها بسوی خوبی نخواهند رفت، آینده آنان روبه خرابی خواهد بود آن‌ها می‌گویند، ای کاش که این نامه اعمال به من داده نمی‌شد. چنانچه خداوند متعال در سوره الانشقاق آیت ده تا سیزده تذکر داده است. بعدا خداوند متعال برای ملائیکه‌های مسؤل امر می‌کند که برای تمام پیامبران کارت زمانی، توزیع شود، در آن کارت نوشته شود که فلان پیامبر همراه اُمت خود در فلان زمان به وقت مشخص که در همان کارت ذکر شده است، برای محاسبه حاضر شوند، همه وقت معین خود را می‌دانند و یا هم به همان وقت معین ملائیکه مسؤل صدا می‌زند، فلان پیامبر همراه با اُمت خود برای محاسبه حاضر شوند، به نوبت حاضر میشوند. چنانچه خداوند متعال این، زمان مشخص شدن را در سوره مرسلات آیت (۱۱) چنین

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۱

می‌فرماید: «وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْتَتْ». ترجمه: و چون برای پیامبران وقت مقرر شود، میدانِ بُردن و باختن شروع می‌شود، کی می‌برد و کی می‌بازد هر پیامبر که همراه اُمتش حساب و کتابش خلاص شود، فوج فوج به طرف جنت و فوج فوج هم طرف دوزخ برده می‌شوند.

داخل شدن جنتی‌ها به جنت

آن فوج که به طرف جنت برده می‌شود، راه‌شان از میانه همان مردمان که در تاریکی مطلق بودند عبور می‌کند، گرچه این جنتی‌ها از ساحه که نور پروردگار روشنی می‌کرد، برآمده‌اند، حالا از این تاریکی با نور خودشان عبور می‌کنند، این نور تمام اطراف‌شان را روشن می‌کند، علاوه بر آن هر لحظه ملائیکه‌ها برای‌شان خوش‌خبری می‌دهند که شما را طرف جنت می‌بریم هر ملائیکه که از پیش روی‌شان می‌برآید برای‌شان می‌گوید خوشا به حال تان ای

۱۰۲ / صلاح الدین سادات

بندگان خدا به سبب نور که از پیکرشان نمایان شده است، می‌فهمند که این‌ها جنتی‌ها اند، اکثریت این جنتی‌ها همراه با فامیل‌های‌شان یکجا به طرف جنت روان هستند، این واقعه را خداوند متعال در سوره‌ الحدید آیت (۱۲) مفصلاً ذکر نموده است: آن عده مردمیکه در تاریکی بودند، نور پروردگار نصیب‌شان نشده بود این حالت را می‌بینند، درد و رنج‌شان ده‌ها برابر افزون می‌شود، بعضی منافقین ناخواسته همراه جنتی‌ها یک‌جا می‌شوند، شروع به رفتن می‌کنند از جنتی‌ها سوال می‌کنند که شما این نور را از کجا گرفتید؟ جنتی‌ها می‌گویند، اگر شما هم می‌خواهید چنین نوری داشته باشید پس بروید به جای که ما از آنجا گرفتیم، این‌ها در همین وقت گفتگو ناگهان دیواری بین جنتی‌ها و منافقین حائیل می‌شود، آن طرف دیوار که جنتی‌ها است، چنان صدای شوق و ذوق و صداهای پرندگان مختلف به گوش میرسد و منافقین در همان تاریکی مطلق باقی می‌مانند، چقدر مأیوس‌کننده است.

این واقعه را خداوند متعال در سوره‌ الحدید از آیت (۱۳) - (۱۵) مفصلاً ذکر نموده است: وقتیکه این ملائیکه‌ها، جنتی‌ها را نزدیک دروازه جنت رساند به ملائیکه‌های که مسؤل

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۳

جنت هستند تحویل میدهد، مسؤلین جنت آنها را به خوشی تحویل می‌گیرند و برای شان خوش آمدید می‌گویند، بسیار به استقبال گرم از آنها پذیرایی می‌کنند، بعداً مکتوب که بعد از محاسبه به جنتی ها داده شده بود را از آنان می‌گیرد، هرچیزی که در آن نوشته شده باشد، از درجه جنت و به کدام جنت و از کدام دروازه جنت که داخل جنت شوند، طبق مقررات همان مکتوب، داخل جنت می‌شوند، لباس‌های که ساخته شده از ابریشم خالص است به جنتی ها پوشانیده می‌شود، حورهای جنتی که تا ایندم در خیمه‌های مهر و لاک شده بودند، برای شخص جنتی معرفی می‌شوند. مهر و لاک آنها توسط اسباب که به دست شخص جنتی داده شده است، باز می‌کند و حور جنتی به وی سلام می‌کند و به بسیار احترام تام برایش می‌گوید، خداوند ﷻ مرا به تو خلق کرده من از تو می‌باشم، قبل از این شخص، هیچ کس نه انس و نه جن او را دیده است و هم‌سن و سال شخص جنتی می‌باشد. بنا به روایات صحیح، سن جنتی‌ها ۱۸ سال می‌باشد.

۱۰۴ / صلاح الدین سادات

داخل کردنِ دوزخی‌ها در دوزخ

آن‌عهه مردمیکه محکوم به دخول دوزخ شده‌اند، ملائیکه‌های مسؤل آن‌ها را فوج فوج به طرف دوزخ می‌برند، هر ملائیکه که از مقابل شان عبور میکند، برای شان نفرین می‌کند، وقتیکه به دوزخ می‌رسند، ملائیکه‌های مسؤل آن‌ها را به مالکین دوزخ تسلیم میدهند. اولین و آخرین سخن نرم که ما لک دوزخ به این دوزخی‌ها می‌گوید اینست، آیا به شما پروردگار عالم از این واقعه خبرنداده بود که به این بلا گرفتار شدید؟ آن‌ها اعتراف می‌کنند که بلی! خداوند متعال به ما پیامبرانی فرستاده بود، تمام واقعات قیامت را برای

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۰۵

مان توضیح داده بودند، اما ما قبول نکردیم و ایمان نیاوردیم. هر فوج دوزخی که به دوزخ انداخته می‌شود، چنان صدای دلخراش از دوزخ بیرون می‌شود که دلها را تخریش می‌کند، در آن موقع دوزخ چنان به خشم است که نزدیک است این خشم، دوزخ را بترکاند، حتی مالک دوزخ یک بار به آنها جواب نمی‌دهد. بعد از اینکه دوزخی‌ها به دوزخ انداخته شدند، خوراک آنها از چرک و زردآب دوزخی‌ها و از زقوم که محصول درختی است که در داخل دوزخ پرورش یافته است، بسیار تلخ که گلوها را پاره می‌کند، می‌باشد. هر بار که بخواهند از دوزخ بیرون شوند، توسط ملائیکه‌ها پس زده میشوند، این واقعه را خداوند متعال در سوره ملک از آیت (۱۱-۸) مفصلاً بیان نموده است، از دوزخی‌ها سوال می‌شود که شما چقدر در دنیا زندگی کرده بودید که به این بلا گرفتار شدید؟ بعضی‌های شان می‌گویند، ساعتی و بعضی‌های شان می‌گویند، چاشتی و بعضی‌ها هم مگویند شامی، به همین خاطر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: زندگی دنیا یک لحظه است همین یک لحظه را هم به غفلت سپری نکنید. گرچه این محاسبه بسیار به سرعت محاسبه می‌شود، با وجود آنهم ممکن صدها سال

۱۰۶ / صلاح الدین سادات

دوام داشته باشد، چراکه از ابتدای صور اول تا آخرین محاسبه به اندازه ۵۰ هزار سال این دنیا می‌باشد. میدان محشر اندک اندک خلوت می‌شود و آخرین افراد که محاسبه میشوند، دو نفر در میدان محشر باهم روبرو میشوند، یکدیگر را می‌شناسند، یکی از این دونفر در تمام عمر یک ثواب دارد و آن دیگر ثواب های زیاد دارد و در مقابل گناهان زیاد نیز دارد، یعنی که گناهانش برابر با ثواب هایش هستند، این شخص گناهکار که در نامه اعمالش به جز یک ثواب چیزی دیگر ندارد، به شخص دیگر می‌گوید ای فلانی چه شده ترا، تاهنوز اینجا هستی؟ تو که آدم خوب بودی، نماز میخواندی، حج کرده بودی، زکات میدادی، روزه میگرفتی، سخاوت هم داشتی تو که به مثل من از خدا بی خبر نبودی، پس چرا اینجا مانده ای؟ او در جواب می‌گوید، بلی همین طور است هرچیزی که گفتمی راست است، تمام نیکی داشتم حالا هم دارم، فقط به یک ثواب نیکی بند مانده ام، نزد هرکسی که رفتم هیچ کس حاضر نشد که یک ثواب نیکی به من بدهد. بناءً بخاطر یک ثواب نیکی این جا مانده ام، آن شخص یک ثوابه می‌گوید، تو که با این همه ثواب داخل جنت نشدی ای، من با این

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۷

یک ثواب چطور داخل جنت شده بتوانم، همین یک ثواب من از تو باشد، و همان یک ثوابش را به وی میدهد، خداوند ﷻ از این عمل آنها خوشنود می‌شود، هردو را داخل جنت می‌سازد.

آخرین فردیکه حساب و کتاب می‌شود، کسی است که گناه های فراوان دارد، از گناه های کبیره و صغیره ، مگر این شخص در دنیا توبه کرده، خداوند متعال توبه او را قبول کرده، گناهان وی را بخشیده است، مگر این شخص، از آن آگاهی ندارد.

وقتیکه خداوند متعال محاسبه می‌کند برایش می‌گوید، ای فلانی تو این گناه را نکرده بودی؟ آن شخص می‌گوید بلی پروردگارا! کرده بودم. دوباره می‌پرسد، فلان وقت این گناه دیگر را نکرده بودی؟ آن شخص دوباره اقرار می‌کند که بلی کرده بودم، خلاصه تمام گناهان آن شمره می‌شود، آنها تصدیق می‌کند. مگر تمام گناهان شمرده شده گناهان صغیره اوست، گناهان کبیره وی به کلی یادآوری نشده است. پروردگار به آن شخص می‌گوید، برو بخشیدمت داخل جنت شو، آن شخص چند قدم پیش می‌رود به دلش می‌گردد که گناهان شمرده شده من همه گناهان صغیره

۱۰۸ / صلاح الدین سادات

بود، تمام گناهان کبیره من هنوز پیرسان نشده است، علاوه بر آن اینقدر مردمی که اینجا بودند همه این‌ها به جنت رفته باشند دیگر در جنت جای باقی نمانده است که من داخل آن شوم. این مرد مذذب می‌شود، به عقب برمی‌گردد به طرف عرش، خداوند ﷻ می‌گوید، ای فلانی چرا برگشتی؟ آن شخص جواب میدهد، پروردگارا تو که پروردگار عالمیان هستی با هیچ کس شوخی نداری، با من بیچاره چه شوخی میکنی، در جنت جای در کجاست که من داخل آن شوم؟ خداوند ﷻ برایش می‌گوید، برو هرآنقدر که چشمت کارمی‌کند برایت جای هست، بعداً به ملائیکه‌های راهنما تسلیم داده میشود، تا آن شخص را به طرف جنت ببرند. تمام آنانیکه محاسبه شده اند به چهار گروه تقسیم میشوند. آنانیکه تراوی اعمالشان به طرف نیکی سنگین شده است، داخل جنت می‌شوند و آنانیکه تراوی اعمالشان مساوی بوده، چندین زمان میان جنت و دوزخ جایی به نام اعراف است باقی می‌مانند، هرگاه خواست خداوند متعال بود به جنت می‌روند. و آنانیکه تراوی اعمالشان طرف نیکی سبک و طرف بدی سنگین باشد اما خودشان مؤمن باشند مدتی در دوزخ میمانند، بعد از پاک شدن گناهان به جنت داخل

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۹

میشوند، گرچه اینها در درجهٔ پائین تر جنت برده می‌شوند مگر هرگز فکر نمی‌کنند که درجهٔ شان از دیگر جنتی‌ها پائینتر باشد، هر قدر جنتی‌های بلند مرتبه را ببینند فکر می‌کنند که از آن‌ها بالاتر اند، اما کسانی که کافر باشند همیشه در دوزخ می‌مانند به این ترتیب رسیدیم به آخرین روز قیامت.

پایانِ عالم

به فنا شدنِ عالم همه متفق اند که روزی جهان نابود خواهد شد، چه از نگاه علمی و چه از نگاه قرآن، اما دانشمندان غیراسلامی بعضی‌های شان میگویند جهان با سرعت به گسترش خود ادامه میدهد، کهکشانشانها آنقدر از هم دور میشوند که نورشان به ما نمیرسد. ستاره‌ها سوخت تمام میکنند، سیاهچاله‌ها تبخیر میشوند و دمای کیهان به صفر مطلق میرسد جهان برای همیشه تاریک و سرد میماند، و بعضی دانشمندان دیگر میگویند اگر سرعت انبساط جهان توسط انرژی تاریک مدام بیشتر شود، قدرت این انبساط از

۱۱۰ / صلاح الدین سادات

نیروی جاذبه فراتر می‌رود، ابتدا کهکشانه‌ها، سپس منظومه‌ها، ستاره‌ها و در نهایت حتی اتم‌ها از هم گسیخته و از هم می‌پاشد، و بعضی دانشمندان دیگر می‌گویند اگر جاذبه برانبات پیروز شود، جهان روزی از گسترش باز میماند و شروع به منقبض شدن می‌کند، همه چیز دوباره به هم فشرده می‌شود تا به یک نقطه‌ای نامرئی برسد، این دیدگاه با قرآن کریم هم خوانی دارد، و اما از نگاه قرآن.

خداوند متعال در باره نابودی عالم درسوره قصص آیه ۸۸

چنین می‌فرماید « لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ
الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۸﴾ ؟

ترجمه هیچ معبودی جز او نیست همه چیز فانی و نابود شدنی است جز ذات پاک او فرمان‌روایی تنها از آن اوست و به سوی او باز گردانده می‌شوید؛ یعنی زمان که تمام ساختارهای مادی؟ سیارات و ستاره‌گان از هم می‌پاشند و تنها حقیقت مانده‌گار، خالق هستی است، خداوند متعال تمام هستی جهان را توسطی چهار نیروی نامرئی پدید آورده این نیروها همان نیروهای هستند که در ابتدا از کلمه، کن، در صدمین ثانیه پدید آمده بودند همین نیروها بودند که

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۱۱

تمام کهکشانها و ستاره هارا ساخته بودند تا آخرهم به ساخت و ساز ادامه میدهند، با وجود این همه عظمت این نیروها را به چشم ندیده نمی‌شود. این قوه نامرئی را خداوند متعال در سوره رعد، آیت (۲)، هم‌چنان در سوره لقمان، آیت (۱۰) چنین می‌فرماید: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا». ترجمه: پیدا کرده خداوند ﷻ آسمانها را بدون ستون که ببینید آنها، «ستون» چیزی را میگویند که بار سنگینی را تحمل کند حالا همین نیروها هستند که تمام کهکشانها و ستاره هارا در فضا نگه داشته است، این ساخت و ساز تا زمانیکه پروردگار بخواهد دوام میکند، بعداً پروردگار عالم همان نیروی نامرئی را که تمام عالم را توسط آن ساخته است، از تمام بدنۀ اجرام عالم مثل لوله کاغذ جمع می‌کند. چنانچه در سوره انبیا آیت (۱۰۴) چنین می‌فرماید ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۗ يَعْنِي رُوزِيكِهِ اَسْمَانَ رَا دَرِهَمِ بِي پِيچِيم مَانَد دَرِهَمِ پِيچِيدِن طُومَار... اَبْتِدَاءِ پِيدَاءِش جِهَانِ اَز نَقْطَه صَفْرِش رُوعِ شَدِه اَيْنَك چَهَارْدِه مِيلْيَار د سال اَز اَن زَمَان مِيگَزَر د و دَرِين مَدْت مِيلْيَار هَا كِهكشَان و تِيرْلِيُون هَاتِيرْلِيُون سِتَارِه و سِيَارِه پِيدَا مَدِه و تَا چَه زَمَان دِيگَر پُرُورْد گَار بَخَوَاهَد دَوَام مِيكَنْد

۱۱۲ / صلاح الدین سادات

بعدا به امر پروردگار مثل طومار خط جمع میشود همچنین در سوره الزمر آیت ۶۷ می فرماید: «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ». ترجمه: و آسمان ها پیچانیده شده باشند در دست قدرت او، هم چنان در سوره التکویر آیت (۱۱) چنین می فرماید: «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ». ترجمه: و وقتیکه آسمان مثل پوست برکنده شود، وقتیکه این نیروی نا مرئی مثل لوله کاغذ جمع کرده شد و یا هم مثل پوست بدن از بدن کنده شد دیگر اجرام عالم بدون متکی میماند، بدون متکی در فضا ایستاده شده نمی تواند و شروع به افتیدن می کند، بالای یک دیگر، چنانچه در سوره فاطر آیت (۴۱) چنین می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ». ترجمه: به تحقیق الله نگه میدارد آسمان ها و زمین را از اینکه بیافتد قَسَم است که وقتیکه افتیدن شروع شود هیچ قدرتی نمی تواند از افتیدن آن جلوگیری کند، خداوند ﷻ قسم یاد می کند که این واقعه افتیدن حتماً زمان به وقوع می پیوندد، وقتیکه افتیدن شروع شود، هیچ قدرتی دیگر نمی تواند جلو آنرا بگیرد. چراکه این نیروی نا مرئی خاصیت روح را دارد تا وقتیکه روح در بدن باشد بدن فعالیت میکند وقتیکه از بدن جدا شود

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۱۳

دیگر بدن فعالیت کرده نمیتواند نه تنها فعالیت کرده نمیتواند بلکه خود جسم هم از بین میرود ، حالا بنا به اثر برخورد یکدیگر تمام کهکشانها، ستارهها و سیارهها تکه و پارچه می‌شوند. چنانچه در سوره الانفطار آیت (۲-۱) می‌فرماید: وَ إِذَا الْكُوَاكِبُ اُنْتَثَرَتْ ۙ (۲) وقتیکه آسمان شکافته شود و وقتیکه ستارهها فرو ریزد، بنا به اثر فرو ریختن بالای یکدیگر جهان به حدی گرم میشود که تمام اجرام عالم ذوب میشود. چنانچه خداوند متعال در سوره الرحمن آیت (۳۷) چنین می‌فرماید: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ». ترجمه: پس چون پاره گردد آسمان پس شود گلابی مانند درد وقتیکه بلندیها پاره شود آتش به بیرون سرایت نموده مثل آتش فشان که آتش را به بیرون فوران میدهد، آتش مثل سیل رفتار می‌کند هم‌چنان در سوره المعارج آیت (۸) چنین می‌فرماید: «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ». ترجمه: روزی که گردد آسمان مانند مس گداخته شده وقتیکه مس را در کوره آهنگر بمانی توسط آتش سرخ می‌گردد فضای عالم هم بنا به اثر برخورد یکدیگر تمام عالم آتش سرخ می‌گردد، این دما به حدی فشرده و داغ میشود که هیچ چیز مقاومت کرده نمیتواند حتی اتم

۱۱۴ / صلاح الدین سادات

ها هم تبخیر شده از بین میروند، باقی میماند آن چهار نیروی که جهان توسط آنها ساخته بود، این نیروها به جز از یگجاشدن دیگر چاره ندارند مجبورا یگجا میشوند از همان نقطه‌ای که پدید آمده بودند نا پدید میشوند، چنانچه خداوند متعال درسوره انبیادر بخشی آیت یگصدو چهار چنین میفرماید؟ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا ۚ إِنََّّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿۱۰۴﴾ [الانبیاء: ۱۰۴] ترجمه، همان گونه که نخستین بار آفریدیم دوباره آنها باز میگردانیم وعده است که تحقق دادنش بر عهده‌ی ماست به یقین آنها انجام میدهم، یعنی در ابتدا شروع جهان را ما کرده بودیم درنهایت ما آنها باز میگردانیم، این بود کلام پروردگار از ابتداء خلقت تا نهایت، حالا جهان کاملاً نا بود شد آیا بعد از نا بودی جهان، جهان دیگری ساخته میشود یا برای ابد تمام میشود، ازنگاه قرآن هرگاه پروردگار عالم همان قوه نامرئی را که مثل لوله کاغذ جمع کرده بود، مجدداً امر گسترش آنها بدهد پس همان نیروها درصدمین ثانیه پدید میآیند دوم باره جهان جدید ساخته میشود، بار دوم شکل گیری عالم را خداوند ﷻ رد نمی‌کند بلکه تأیید می‌کند. چنانچه در سوره یاسین آیت (۸۱) چنین می‌فرماید:

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۱۵

«أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ (بَلَىٰ)». ترجمه: آیا نیست آن ذاتیکه پیدا کرده آسمان‌ها و زمین را قادر بر اینکه بسازد مثل آنرا، بلی! می‌تواند یعنی خداوند ﷻ به کلمه بلی ثابت ساخت که بعد از نابودی عالم، عالم دیگری مثل آنرا خواهد ساخت؛ خلاق؛ صیغه‌ی مبالغه است یعنی بار بار می‌آفریند همچنین؛ علیم؛ است، چه نوع جهانیکه بعد از این جهان می‌سازد آنرا هم میداند هم‌چنان در سوره هود آیت (۱۰۶) در باره جنتی‌ها و دوزخی‌ها می‌فرماید: همیشه می‌باشند دوزخی‌ها در دوزخ و جنتی‌ها در جنت، مادامیکه آسمان‌ها و زمین هست، آن‌ها در دوزخ و جنت میمانند، درحالیکه آسمان‌ها و زمین قبلاً در قیامت از بین رفته است، این آسمان‌ها و زمین که ذکر می‌کند بعداً پیدا کرده است. بناءً پیدائش عالم جدید بعد از فناء عالم گذشته از نگاه قرآن جریان خواهد داشت، هرگاه جهان فنا شود، جهان جدید پدید می‌آید، منتها فاصله زمانی آن‌ها شاید میلیونها سال باشد.

والله اعلم بالصواب و هو علی کل شیء قدیر.

خلاصه موضوع:

تا جاییکه برهمه‌گان معلوم و هویدااست، بحث پیدائیش جهان یک موضوع خیلی وسیع و حساس است، حتی در اکثر موارد بسیاری از علماء اسلام در این رابطه اتفاق نظر ندارد، اما از نگاه علم ساینس ثابت شده است، آنچه که قرآن کریم، چهارده صد سال قبل بیان نموده، ثابت است. به عنوان مسلمان نیاز میدانیم که قرآن کریم را مهمترین و والاترین مرجع برای اثبات حقایق همه مسایل به ویژه چگونگی «پیدائیش جهان» بدانیم و لازم است با پیروی از این مرجع بزرگ و همه شمول در تمامی موارد استفاده معقول نماییم. بناءً آنچه در این رساله گفته شده است، همه و همه برگرفته از آیات مرتبط به این موضوع می‌باشد.



Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English